



این فایل نسخه کامل کتاب نیست

و فقط حاوی بخش هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می باشد.

جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت طاقچه به آدرس taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.

پرویش
نخبگان معنوی
در مساجد

علیرضا پناهیان

بیان معنوی

پناهیان، علیرضا، ۱۳۴۴ -

پرورش نخبگان معنوی در مساجد / علیرضا پناهیان.

مشخصات نشر: تهران: بیان معنوی، ۱۳۹۸، ۹۶ ص: ۱۴/۵×۲۷/۵ س.م.

The Cultivation of Spiritual Elites in Mosques / Alireza Panahian

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۶۶۰-۴-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه.

موضوع: مسجدها- تأثیر | موضوع: Mosque - Influence

موضوع: جوانان - زندگی مذهبی | موضوع: Young adults - Religious life

موضوع: معنویت - اسلام | موضوع: Spirituality - Islam

رده‌بندی کنگره: BP۲۶۱ رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۸۲۰۸۹

پرورش نخبگان معنوی در مساجد

پدیدآورنده: علیرضا پناهیان | ناشر: بیان معنوی

تحقیق، تنظیم، آماده‌سازی و ویرایش: مؤسسه عصر بیان معنوی

مدیریت هنسری: خانه ط — راجان انقلاب اسلامی

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۸ | شمارگان: ۲۵۰۰

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

فروشگاه اینترنتی: bayancenter.ir | وبگاه: Panahian.ir

مرکز پخش: ۰۲۱-۷۷۶۵۰۵۷۶ و ۰۹۳۰۵۰۵۰۳۱۳

پست الکترونیک: bayan.manavi@gmail.com

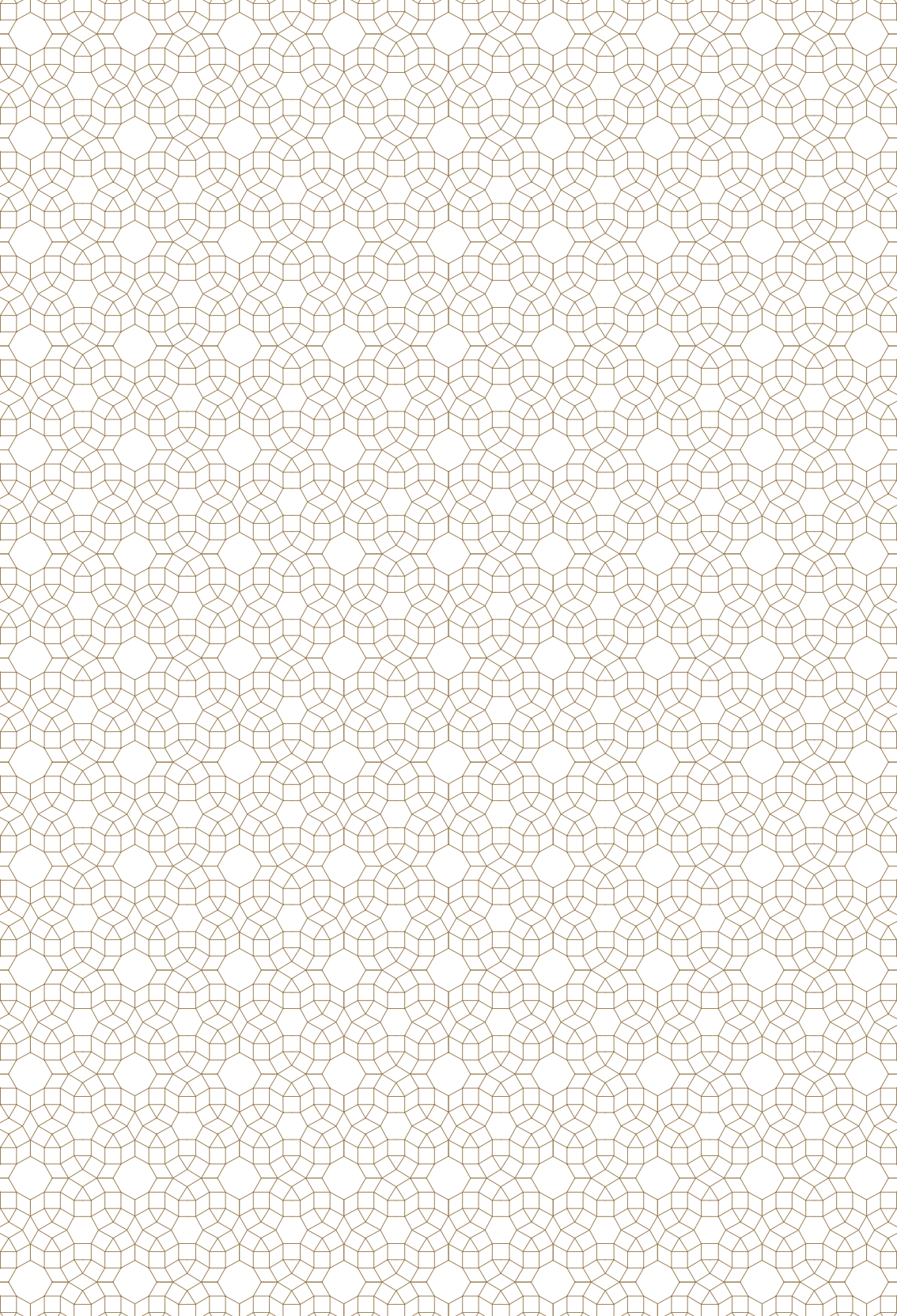
شناسه ما در شبکه‌های اجتماعی: [@Panahian_ir](https://www.instagram.com/Panahian_ir)

تمام حقوق برای مؤسسه عصر بیان معنوی محفوظ است.

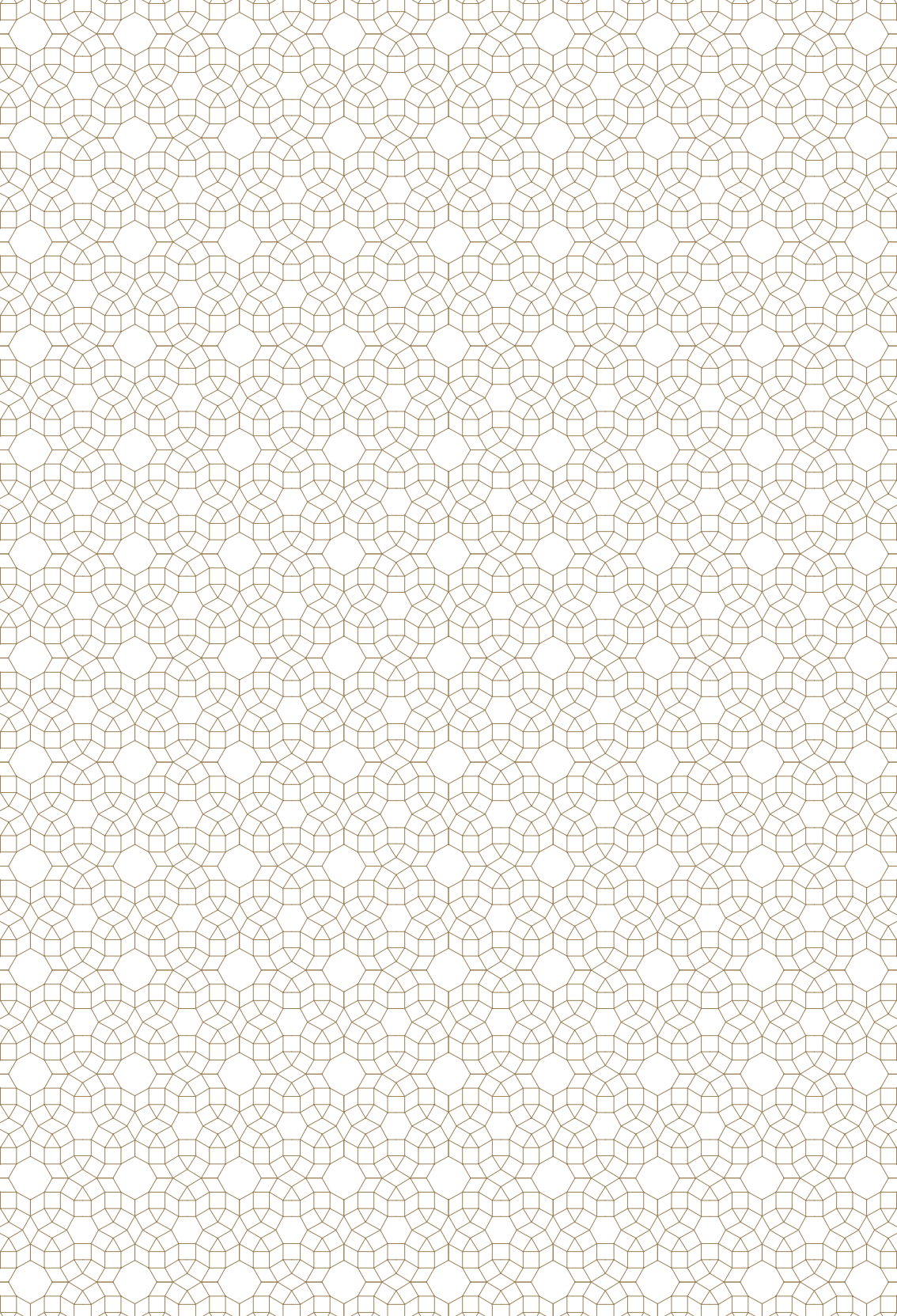


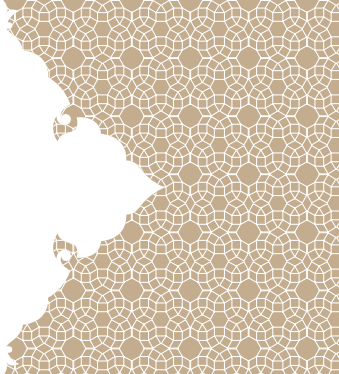
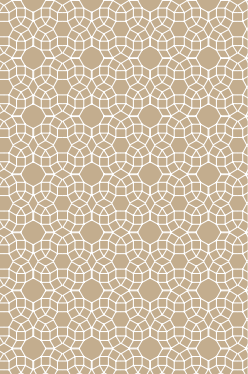
فهرست مطالب

۹	یادداشت ناشر
۱۱	اولویت پرورش نخبگان معنوی
۵۱	هدف پرورش نخبگان معنوی
۵۷	برنامه‌هایی برای تربیت نخبگان معنوی
۷۹	ارائه قاعده کلی
۸۳	فهرست‌ها

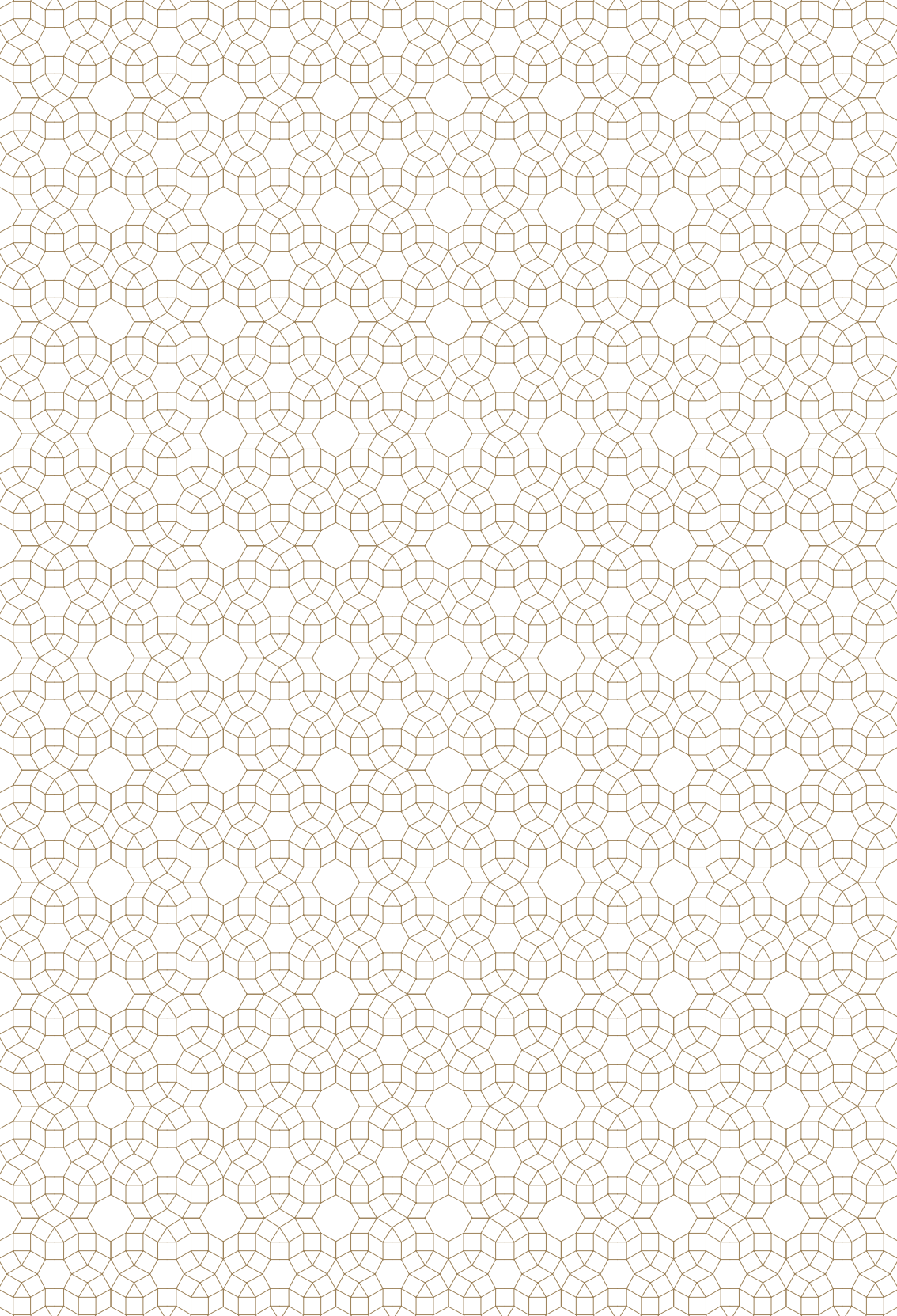


نوشتار حاضر برگرفته از سخنرانی استاد پناهیان در جمع مدیران، سیاست‌گذاران و فعالان فرهنگی مساجد و کانون‌های فرهنگی سراسر کشور در تابستان ۸۶ است که توسط مؤسسه بیان معنوی بازنویسی و تنظیم شده و به فراخور نیاز، مطالبی در راستای تکمیل بحث به آن افزوده شده است. هرچند از سال ۸۶ تاکنون، مباحث مفید زیادی در این رابطه توسط مؤلف ارائه شده است و این متن می‌توانست جامع‌تر و دقیق‌تر باشد، اما به دلیل مغفول بودن موضوع اصلی آن در بسیاری از مساجد و نیز استقبالی که از این بحث شده بود، تصمیم گرفتیم منتظر آماده شدن یک نوشتار کامل‌تر نشویم و انتشار این مبحث را بیش از این به تأخیر نیندازیم.





اولویّت پرورش
نخبگان معنوی



طرح سؤال: اولویت با خوب‌تر کردن خوب‌هاست یا خوب کردن همه؟

سؤال مهم و مشهوری که در برنامه‌ریزی فرهنگی مساجد وجود دارد این است که آیا بهتر است در مساجد به تربیت نخبگان معنوی بپردازیم، یا به جذب و پرورش دینی عموم مردم؟ سؤال کاملاً مشخص است. هرچند نباید از آن با پاسخ‌های سطحی عبور کرد و در واقع صورت مسأله را پاک نمود.

یک پاسخ سطحی به این سؤال این است که بگوییم هم لازم است عموم مردم را به دین جذب کرد و هم لازم است خوب‌ها خوب‌تر شوند. همه این را می‌دانیم که نه تنها لازم است عموم مردم به مسجد جذب شوند و در دین‌داری پرورش پیدا کنند، بلکه بی‌دین‌ها، دین‌گریزها و حتی دین‌ستیزها نیز باید به مسجد و معنویت جذب شده و دین‌دار و دین‌باور شوند.

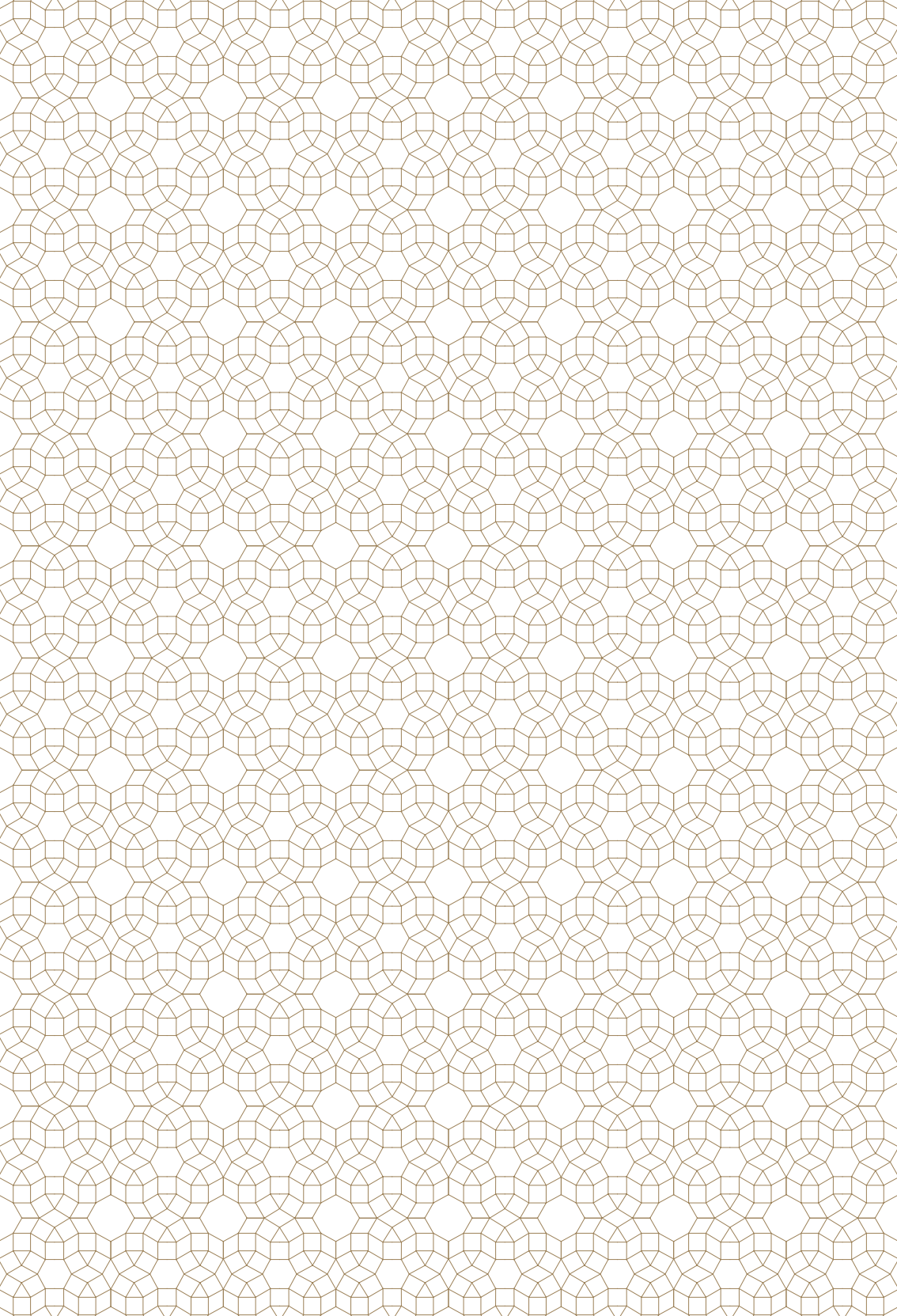
بی‌تردید کسانی که در مسیر توسعه معنویّت حرکت می‌کنند، باید در اندیشه هر دو گروه باشند. گروه اول: دین‌گريزان، دین‌ستیزان و دین‌داران عوام، معمولی و ضعیف، و گروه دوّم: دین‌داران خوبی که مثلاً اهل مسجد و هیأت‌های مذهبی، و پایبند به تعهدات دینی و تکالیف شرعی هستند. برای هر دو گروه باید برنامه داشته باشیم. ولی این واقعیت، پاسخ سؤال ما نیست.

سؤال این است که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان مساجد به کدام یک از این دو گروه باید اهتمام بیشتری داشته باشیم؟ گروه خوبان یا بقیه مردم، اعمّ از دین‌ستیز، دین‌گريز و دین‌داران ضعیف؟ برای کدام یک باید بیشتر سرمایه‌گذاری کرد؟

مثلاً بعضی این استعداد را دارند که هم می‌توانند برای غیرمذهبی‌ها صحبت کنند و آن‌ها را جذب به دین کنند و هم می‌توانند برای مذهبی‌ها صحبت کنند؛ یعنی می‌توانند هر دو گروه را جذب کنند. حال اگر چنین افرادی بخواهند یکی از این دو کار را در اولویت قرار دهند، کدام ترجیح دارد؟ هم مذهبی‌ها از مباحث آن‌ها استقبال می‌کنند، هم غیرمذهبی‌ها ارتباط خوبی با مباحث آن‌ها برقرار می‌کنند. حال به کدام گروه باید بیشتر اهتمام بورزند؟

گاهی به این دلیل که طبیعتاً تبلیغ دین در محیط‌های غیرمذهبی یا نیمه‌مذهبی و آشنا کردن افراد در این محیط‌ها با معارف دینی کمی مشکل‌تر است، ما از مبلغین و سخنران‌هایی که در هر دو محیط مذهبی و غیرمذهبی مورد پذیرش واقع شده و از قدرت جذب خوبی برخوردارند دعوت می‌کنیم تا روی جذب غیرمذهبی‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری کنند.

شاید چون با خودمان فکرمی‌کنیم بالاخره کسی پیدا خواهد شد که برای مذهبی‌ها صحبت کند؛ پس بهتر است این افراد، روحانی مجموعه‌های غیرمذهبی شوند. چرا که مذهبی‌ها خودشان جذب شده‌اند و در مسیر هدایت هستند و اگر یک مبلغ خیلی موفق و قوی هم نداشته باشند، بالاخره خودشان گلیمشان را از آب بیرون می‌کشند. یا اگر یک مبلغ معمولی هم برای آن‌ها سخنرانی کند کفایت می‌کند. الان باید سراغ غیرمذهبی‌ها رفت و آن‌ها را با دین آشنا کرد. چون باور ما این است که امروزه باید بیشتر به کسانی که با دین آشنا نیستند، یا رابطه خوبی با دین ندارند کمک کرد و برای جذب آن‌ها تلاش نمود. بسیاری از ما اولویت این کار را بیشتر می‌دانیم و فکرمی‌کنیم کسانی که برای هر دو گروه مذهبی و غیرمذهبی می‌توانند مفید و مؤثر باشند، اولویت بر این است که برای غیرمذهبی‌ها کار کنند.



ضرورت پاسخ به این سؤال برای برنامه‌ریزی فرهنگی

پاسخ به این سؤال، فقط برای یک مبلغ یا روحانی که سخنرانی می‌کند، مهم نیست. بلکه برای همه کسانی که مدیر و برنامه‌ریز هستند و در عرصه‌های فرهنگی فعالیت می‌کنند هم، پاسخ به این سؤال دارای اهمیت بالایی است.

۱. ضرورت مشخص کردن مخاطب در کارهای فرهنگی

برای برنامه‌ریزی کارهای فرهنگی خودمان لازم است برنامه‌ها را از یکدیگر مجزا کنیم. به این صورت که ببینیم مخاطبمان کیست؟ برنامه ما در مسجد مخاطب عام دارد یا مخاطب خاص؟ اگر مخاطب خاص دارد، این مخاطبین جزء کدام دسته هستند؟

آیا جزء دسته دین‌گريزان و دین‌ستیزان هستند؟ آیا تلاش ما بر این است که آن‌ها را با ترفندهایی به مسجد بکشانیم؟

یا جزء گروه میانه‌ای هستند که نه مذهبی هستند و نه غیرمذهبی؟

یا جزء مذهبی‌ها هستند و می‌خواهیم برای مذهبی‌ها کار کنیم؟

بسیار مهم است که قبل از برنامه‌ریزی، دایره مخاطبان خودمان را مشخص کنیم. یکی از مهم‌ترین مسائل در برنامه‌ریزی، توجه به اولویت‌ها است. همه کارها اولویت یکسانی ندارند و تمام کارها را نمی‌توان با هم به پیش برد. نیروها و سرمایه‌ها محدود است. بنابراین پاسخ به این سؤال که ما در مقام برنامه‌ریزی، باید به کدام گروه از مخاطبان اولویت بدهیم، بسیار کلیدی و تعیین‌کننده است.

۲. تعیین اولویت در انتخاب مخاطبان و سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آن‌ها

این تصور اشتباه است که فکر کنیم موفقیت در یک مسجد به این است که جمعیت زیادی در مسجد جمع شود. هرگز این‌گونه نیست! موفقیت یک روحانی در یک مسجد و یا موفقیت یک کانون فرهنگی، به این است که ببیند اگر ده نفر را برگزیده و برایشان سرمایه‌گذاری کرده، وقت گذاشته و آن‌ها را تربیت کرده است، آن ده نفر چقدر پرورش یافته‌اند؟ موفقیت یک روحانی در مسجد به این است که مثلاً بعد از پنج سال بتواند بگوید: «من با این چند نفر کار کردم و هرچه بلد بودم به آن‌ها یاد دادم»، و بعد از مدتی هر کدام از این چند نفر برای خودشان جایگاهی بدست آورده و مؤثر باشند. این کاری است که ارزش دارد. ارزش این کار بسیار بیشتر از این است که جمعیت مسجد زیاد باشد. هر چند جمعیت هم خوب است، ولی کار اساسی و ریشه‌ای به این است که روی پرورش نیروهای ویژه سرمایه‌گذاری کنیم.

اگر بنا باشد که یک روحانی یا یک مرکز، برای پرورش چند نفر سرمایه‌گذاری کنند، بسیار مهم است که این چند نفر را از چه دسته‌ای از مخاطبان انتخاب کنند.

دلایل ترجیح پرورش نخبگان معنوی

سؤالی که تاکنون کمی از اهمیتش روشن شد، این است که اگر ما بتوانیم این دو کار را انجام دهیم: یکی این که انسان‌های معمولی، ضعیف و ناآشنای به دین را جذب کنیم و کمک کنیم تا آنها به انسان‌های خوبی تبدیل شوند و دیگر این که انسان‌های خوب را پرورش دهیم تا به انسان‌های خوب‌تری تبدیل شوند، کدام یک از این دو کار را باید ترجیح دهیم؟

به دلایلی که به آن‌ها خواهیم پرداخت، پرورش انسان‌های خوب و تبدیل آنها به انسان‌های خوب‌تر، بر تبدیل انسان‌های معمولی یا بد به انسان‌های خوب، کاملاً ترجیح دارد. در مقام کار فرهنگی و تبلیغی، سرمایه‌گذاری بر روی کسانی که به دین جذب شده‌اند و از پرورش یافتگی

معنوی بیشتری برخوردار بوده‌اند، مسلماً با ارزش‌تر است. علاوه بر این که کار بر روی مذهبی‌ها، نسبت به غیرمذهبی‌ها و نیمه مذهبی‌ها اولویت دارد، در میان مذهبی‌ها هم، کار بر روی «نخبگان معنوی» نسبت به عموم مذهبی‌ها، از اولویت بیشتری برخوردار است. منظور ما از «نخبگان معنوی»، «نخبه‌های علمی که مذهبی باشند» نیست. بلکه منظور کسانی است که از نظر معنوی نخبه هستند؛ یعنی در معنویت و ایمان نسبت به دیگران جلوترند. می‌توانیم برای تشخیص و شناسایی بهترین نخبگان شاخص‌هایی را برای این جلوتر بودن تعریف کنیم. از التزام به لوازم ایمان مثل نماز خواندن و پرداخت خمس گرفته تا التزام به زیارت و ادعیه و نماز شب، یا معرفت و آشنایی با معارف دینی و تخلّق به اخلاق و... .

باز هم باید تأکید کنیم که در اصلِ ضرورت کار برای غیرمذهبی‌ها و نیمه مذهبی‌ها تردیدی نیست. صحبت در «اولویت» کار برای مذهبی‌ها است. چه بسا با سرمایه‌گذاری بر روی مذهبی‌ها، غیرمذهبی‌ها هم زودتر به دین نزدیک شوند و زمینه جذب و هدایت آنها بیشتر فراهم شود. اگر ما به کسی که هم قدرت جذب مذهبی‌ها و هم قدرت جذب غیرمذهبی‌ها را دارد توصیه می‌کنیم که با مذهبی‌ها کار کند نه با غیرمذهبی‌ها، از این جهت نیست که بخواهیم او را از کار کردن با غیرمذهبی‌ها نهی کنیم. ما نمی‌گوییم «این کار را نکن چون کار اشتباهی است»، می‌گوییم «این کار را نکن چون کم‌فایده است». یعنی حتی اگر به دنبال جذب غیرمذهبی‌ها هستی، راه آن کار کردن با غیرمذهبی‌ها نیست؛ بلکه راهش کار کردن با مذهبی‌هاست. در ادامه در این باره بیشتر توضیح خواهیم داد.

آخرین مطلب قبل از ارائه دلایل این است که وقتی صحبت از پرورش انسان‌ها می‌کنیم، توجه داریم که انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و خودشان باید برای رشد خودشان تصمیم بگیرند. نه کسی می‌تواند کسی را بدون اراده خودش، از نظر معنوی پرورش دهد، و نه دین از ما خواسته است که چنین کاری را انجام دهیم. ما تلاش می‌کنیم شرایط را با «برطرف کردن موانع» و «فراهم آوردن امکانات» برای رشد معنوی انسان‌ها آماده کنیم. وقتی می‌گوییم «پرورش انسان‌ها»، منظورمان همین فراهم کردن شرایط برای شکوفایی و پرورش استعدادهای فطری و معنوی انسان‌ها است، آن هم تنها در صورتی که خودشان بخواهند و نه چیزی فراتر از آن^۱.

■ ۱. تا خوب‌ها خوب‌تر نشوند، بدها خوب نمی‌شوند

خوب‌تر شدن خوب‌ها نسبت به خوب شدن دیگران برای ما در اولویت قرار دارد؛ چرا که از طرفی رشد خوب‌ها، مهم‌ترین عامل برای جذب دیگران است و از طرف دیگر رشد نکردن آن‌ها، مهم‌ترین مانع برای جذب دیگران به شمار می‌رود. می‌توان این سخن را با نماز که بر اساس روایات از شاخص‌ها و نتایج مهم خوب بودن است به راحتی توضیح داد.

۱. هدایت کردن دیگران، نه تنها از عهده ما خارج است، بلکه شخص پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز چنین توانایی را نداشته‌اند. کما اینکه خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (ای پیامبر) بدرستی که تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داری هدایت کنی و این تنها خداوند است که هر که را بخواهد هدایت می‌کند» (قصص/۵۶) یا زمانی که رسول خدا (ص) برای هدایت مشرکین بیش از حد تلاش می‌کردند، خداوند فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (ای پیامبر) تو تنها تذکردهنده هستی و هیچ سیطره‌ای برای هدایت آنها نداری». (غاشیه/۲۱-۲۲)

اگر نماز را به عنوان یک شاخص در نظر بگیریم^۱ باید بگوییم امروزه نماز نخواندن هر بی‌نمازی که در عالم وجود دارد، تقصیر نمازخوان‌هاست؛ مگر آن‌ عدّه معدودی که خداوند بر قلب‌هایشان مهر قساوت و سیاهی زده است. دلیل این که بی‌نمازها نماز نمی‌خوانند، این است که به ما نمازخوان‌ها نگاه می‌کنند. آن‌ آقا یا خانمی که نماز نمی‌خواند، نگاه می‌کند ببیند این کسی که نماز می‌خواند، نمازش چه تأثیری در او داشته و چه فایده‌ای از نمازش برده است؟ چه حظّی از نمازش برده؟ آیا صورتش از مناجات با خدا گل انداخته که هر کسی دید، بفهمد او چه لذتی از نماز برده تا خودش هم نمازخوان شود؟ آیا اخلاق و رفتارش عوض شده است؟ نماز کجای وجودش را آباد کرده تا بقیّه هم جذب نماز شوند؟

تازه کسی که نماز نمی‌خواند، از اینکه وقت خودش را برای نماز تلف نکرده خوشحال هم هست و برای ما که نماز می‌خوانیم تأسف می‌خورد و می‌گوید: «نگاه کن، چقدر خودش را گرفتار کرده! این هم جزء نمازخوان‌هاست!». در حالی که باید برعکس باشد. باید وقتی ما را می‌بیند تأسف خورده و بگوید: «ببین چه لذتی از نماز خواندن می‌برد، ببین بعد از نماز چقدر خوش اخلاق می‌شود، چقدر با روحیه و با نشاط می‌شود.» تک تک رفقاییش را نگاه کند و ببیند آن‌هایی که نماز می‌خوانند چقدر از بقیه خوش اخلاق‌تر، سرحال‌تر و با نشاط‌ترند.

شیوه تبلیغ انبیای الهی (ع) نیز همین بوده است. انبیا و اولیای الهی همیشه چند نفر را پیدا می‌کردند و به‌طور ویژه با آن‌ها کار می‌کردند. اگر آن چند نفر درست می‌شدند، همه مردم را درست می‌کردند. اگر آن‌ها درست

۱. در روایات این مفهوم به عناوین مختلفی آمده است، از جمله اینکه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الصَّلَاةُ مِيزَانٌ؛ نماز شاخص است» (کافی، کلینی، ج ۳، ص ۲۶۷)

نمی‌شدند، آن پیامبر یا ولیّ خدا پیش مردم حرفی برای گفتن نداشت؛ چرا که مردم به او می‌گفتند: «اگر حرف شما درست بود، چرا این‌هایی که حرف‌های شما را گوش کردند، به جایی نرسیدند؟ اگر نماز، اخلاقِ انسان را درست می‌کند، پس چرا این‌ها اینقدر بداخلاق هستند؟»

چه موقع بی‌نمازها، نمازخوان می‌شوند؟ وقتی نمازخوان‌ها بهتر نماز بخوانند. اگر نمازخوان‌ها حظّی را که از نماز خواندن می‌برند به اهل عالم نشان دهند، همه نمازخوان می‌شوند. چه کنیم که همه نمازخوان بشوند؟ باید کاری کنیم آن‌هایی که نمازخوان هستند، بهتر نماز بخوانند، به همین سادگی. در آن صورت آن کسی که نماز نمی‌خواند می‌آید از رفیق نمازخوانش می‌پرسد: «تو چرا اینقدر با نشاطی؟ تو چرا همیشه اینقدر سرحالی؟ تو چرا کینه هیچ کسی را به دل نمی‌گیری؟ تو چرا عصبانی نمی‌شوی؟ تو چرا حسرت زده نمی‌شوی؟» و او جواب می‌دهد: «نمی‌دانم، اما شاید به خاطر نماز باشد.»

اگر بی‌نمازها، تأثیر نماز را در نمازخوان‌ها ببینند، به نماز علاقه‌مند می‌شوند. اما اگر تأثیرش را نبینند، نه تنها علاقه‌مند نمی‌شوند، بلکه دلزده خواهند شد و ذهنیت منفی پیدا خواهند کرد. لذا اگر مذهبی‌ها خوب نماز نخوانند، نه تنها فرصت جذب غیرمذهبی‌ها از دست می‌رود، بلکه همین نماز خواندن بی‌روح مذهبی‌ها، مانع جذب غیرمذهبی‌ها خواهد شد.

امروزه اگر بخواهیم تعداد بی‌نمازهای جامعه کاهش پیدا کند، راهی نداریم جز اینکه کاری کنیم نمازخوان‌های مسجدی بهتر نماز بخوانند. اگر بخواهیم مشکل بی‌حجابی برطرف شود، باید محجّبه‌ها معرفتشان نسبت به حجاب بالا برود. در زمینه‌های دیگر نیز همین‌طور است. «تا

خوب‌ها خوب‌تر نشوند، بد‌ها خوب نمی‌شوند» و این شعارِ پررمز و راز و عجیبی است.

■ ۲. کم‌ثمر بودن برنامه‌ریزی برای غیرمذهبی‌ها

هرچند ما نمی‌خواهیم روی افراد ارزش‌گذاری کنیم و اصلاً تشخیص و شناسایی این که چه کسی قابل هدایت هست و چه کسی قابل هدایت نیست، از عهده ما خارج است؛ اما در برنامه‌ریزی‌ها و تعیین اولویت‌ها ناچاریم که به این نکته مهم هم توجه داشته باشیم که گاهی از اوقات فراهم کردن عوامل و ابزار و برنامه‌های تربیت دینی برای عده‌ای مثل آب در هاون کوبیدن است. روایات فراوان ما در مورد تأثیر نطفه و لقمه حلال و حرام و لقمه‌های شبهه‌ناک گرفته تا بسیاری از عوامل و مسائل دیگر، شاهد بر این معناست که واقعاً نمی‌توانیم روی عده‌ای خیلی تأثیرگذار باشیم. خدا هم به پیامبر می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ؛ تو نمی‌توانی هرکس را دوست داشته‌ی هدایت کنی.» (قصص/۵۶) البته این‌گونه افراد بیشتر در گروه خاکستری (نه سیاه، نه سفید) و عوام پیدا می‌شوند و در مسجدی‌ها معمولاً کمتر به چشم می‌خورند.

باز هم باید تأکید کرد که تشخیص مصداق این افراد کار ما نیست، که بخواهیم شناسایی یا ارزیابی کنیم که چه کسی قابل هدایت است، یا نیست و اساساً این کار صحیح هم نیست. چه بسا یک غیرمذهبی پیدا شود که اتفاقاً بسیار مستعد باشد و عاقبت به‌خیر بشود. یا یک مذهبی و مسجدی پیدا شود که عاقبت به‌خیر نشود. انسان نمی‌تواند تشخیص دهد. اما به عنوان یک آگاهی و قاعده کلی باید پذیرفت که عموماً کار کردن بر روی غیر مذهبی‌ها نسبت به مذهبی‌ها کم‌ثمرتر است و همین

مقدار اطمینان نسبی برای مؤثر قرار دادن این آگاهی در اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌هایمان کفایت می‌کند.

ما در فعالیت‌های دیگرمان هم، هر جایی که استعداد و زمینه بیشتری دیده‌ایم، سرمایه‌گذاری‌ها را متوجه آنجا کرده‌ایم. این مورد را هم نباید از این قاعده خارج بدانیم. چرا انسان کار خطرپذیر انجام دهد؟ در اقتصاد هم اگر کسی بخواهد کار کند، در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که سود بیشتری بدهد. حتی اگر کسی صرفاً گمان داشته باشد که این کار سودآور نیست، در آن سرمایه‌گذاری نمی‌کند. در این موارد گمان به سودآور نبودن هم کفایت می‌کند و افراد ترجیح می‌دهند جای دیگری سرمایه‌گذاری کنند که مطمئن‌تر باشد.

در کار فرهنگی و تبلیغی هم، همین‌که اجمالاً انسان بداند سرمایه‌گذاری برای غیرمذهبی‌ها، نسبت به سرمایه‌گذاری برای مذهبی‌ها کم‌ثمرتر است، برای اولویت ندادن به کار برای غیرمذهبی‌ها و در نتیجه اولویت دادن کار برای مذهبی‌ها کفایت می‌کند.

■ ۳. مستعد بودن نخبگان معنوی برای رشد

نکته بعدی این است که آن‌هایی که خوب هستند بی‌دلیل خوب نشده‌اند؛ یعنی حتماً این خوب بودن یا خوب شدن دلایل و زمینه‌هایی داشته است. آن دلایلی که این‌ها را به این سهولت به خوب بودن رسانده اگر با سرمایه‌گذاری ما جمع شود، باعث رشد چند برابری آنها خواهد شد. سرمایه‌گذاری روی این افراد با سرمایه‌گذاری روی کسی که هنوز متقاعد نشده که باید نماز بخواند فرق می‌کند. درست است که در بین بی‌نمازها هم گاهی انسان‌های مستعدی یافت می‌شوند که ممکن است با یک

سخنرانی یا یک گفت‌وگوی کوتاه متحول شوند، ولی آیا درست است که ما برای نمازخوان‌هایی که استعداد معنوی دارند، پاک‌طینت هستند، محبت اهل بیت در دل دارند، طیب‌الولاده دارند (که بنا بر فرموده اهل بیت (ع) زمینه محبت آنان است^۱)، سرمایه‌گذاری نکنیم - در حالی که این سرمایه‌گذاری ثمره بیشتری دارد - و به جای آن برای کسانی سرمایه‌گذاری کنیم که تازه می‌خواهند نمازخوان شوند؟ و بعد از مدتی تازه برسند به همین نقطه‌ای که خوب‌ها همین الان در آن نقطه هستند؟

باید توجه داشت که بحث ما در اینجا درباره محور اصلی برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و تربیتی است. یعنی در مقام یک نگاه و برنامه‌ریزی کلان و راهبردی، طرف همت ما باید چه گروهی از مخاطبان باشد. و غرض بحث، در مقام برنامه‌ریزی، ارزش‌گذاری و هدف‌گذاری است، وگرنه تردیدی نیست که در مقام مواجهه‌های احتمالی با هر انسانی، باید در حد مقدور به او کمک کرد، اگرچه در حد زمینه‌سازی یا برطرف کردن برخی موانع باشد. همان‌طور که سیره ائمه معصومین (ع) و اولیای الهی چنین بوده است. مهم این است که در مقام برنامه‌ریزی، فعالیت‌های اصلی را با فعالیت‌های جانبی اشتباه نگیریم.

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ آيَاتِهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوْلَى النَّعَمِ، قُلْتُ وَمَا أَوْلَى النَّعَمِ؟ قَالَ: طَيْبُ الْوَلَادَةِ وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وُلَادَتُهُ؛ امام صادق (ع) از پدران نقل کرد که پیامبر خدا (ص) فرمود: هر که ما اهل بیت را دوست داشته باشد خدا را بر نخستین نعمت سپاس گوید. عرض شد: نخستین نعمت چیست؟

فرمود: پاک‌ی ولادت (حلال‌زادگی) و ما را جز کسانی که ولادتی پاکیزه داشته باشند دوست ندارند. (المحاسن، برقی، ج ۱، ص ۱۳۸)

■ ۴. عوارض برنامه‌ریزی برای غیرمذهبی‌ها

در بسیاری از اوقات اینکه غیرمذهبی‌ها با برنامه‌های جذاب و تبلیغی ما مذهبی شوند، دارای عوارض منفی است. اگر نگاهی به آمار ضدانقلاب‌هایی که به انقلاب اسلامی ضربه زده‌اند و یا هنوز هم می‌زنند بیندازیم، خواهیم دید اغلب آن‌ها بچه‌مذهبی‌هایی هستند که سابقه مذهبی زیادی ندارند و در یک برهه از زمان تحت تأثیر جو قرار گرفته‌اند. یعنی زمانی که جو مذهب‌گرایی و انقلابی‌گری در کشور حاکم بوده، آن‌ها هم به مذهبی‌ها پیوسته‌اند. مثلاً جوی ایجاد شده و یک موج او را به سمت طلبگی کشانده. یا وارد سپاه شده، یا وارد وزارت اطلاعات شده، یا جبهه رفته و... حتی شاید از کودکی در مدرسه مذهبی درس خوانده، یا در خانواده روحانی بزرگ شده، ولی آن چیزی که باید باشد نبوده است. یعنی یا اساساً زمینه‌هایش را نداشته، یا زمینه داشته اما در همان سطح و ظاهر دین باقی مانده و عمق پیدا نکرده، و با تغییر فضای سابق و جو مذهب‌گرایی پس زده و ضدانقلاب شده است. در این صورت ضربه‌هایی که این‌گونه افراد به دین و انقلاب می‌زنند، هرگز یک بی‌دین بی‌نماز ملحد نمی‌تواند بزند.

اگر دقت کنیم امروز ضد ولایت‌ها و دین‌ستیزهای حرفه‌ای در کشور ما چنین افرادی هستند. یعنی کسانی که هرچند در محیط مذهبی رشد کرده‌اند، اما به تعبیر قرآن ایمان در قلبشان وارد نشده است. ۱. اگر قرآن می‌فرماید: زمانی می‌رسد که مردم «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ گروه

۱. قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنَّ قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ بادیه‌نشینان گفتند: ما [از عمق قلب] ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویید: اسلام آورده‌ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است. (حجرات/۱۴)

گروه در دین خدا داخل می‌شوند» (نصر/۲) دلیلش «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» (نصر/۱) است؛ یعنی زمانی که یاری خدا و پیروزی بیاید. این افراد هم اوایل انقلاب، فتح و نصرت الهی را که دیدند، تحت تأثیر جو قرار گرفتند و فوج فوج در جرگه مذهبی‌ها وارد شدند، اما ایمان در قلبشان وارد نشد.

اگر شما بخواهید غیرمذهبی‌ها را به سمت مذهبی بودن سوق دهید، اولاً ممکن است هزینه کردن برای بعضی از آن‌ها هدر دادن سرمایه باشد و فایده‌ای نداشته باشد. ثانیاً ممکن است بعضی‌هایشان به صورت ظاهری مذهبی شوند و تا زمان مشخصی مذهبی باقی بمانند و بعد از آن خواسته یا ناخواسته ضربه‌شان را بزنند. ما نمی‌توانیم هر کسی را که دلمان خواست، به زور هدایت کنیم. اگر با زور چنین کاری ممکن بود، ائمه هدی (ع) این کار را می‌کردند. نمونه‌اش طلحه و زبیر است که آخر کار معلوم شد این دو از اول هم ایمانشان سطحی و تحت تأثیر عوامل بیرونی بوده است.

منظور از این حرف این نیست که نباید بعضی از برنامه‌های پرجاذبه را که برای جذب بی‌دین‌هاست، در مساجد برگزار کرد. اگر گاهی چنین برنامه‌هایی برگزار شود، اشکالی ندارد؛ ولی اگر برگزار هم نشود، مهم نیست. لازم نیست همه تلاش و سرمایه‌تان را برای جذب افراد سطح پایین هزینه کنید. به جای این کار ببینید این کسانی که خودشان با پای خودشان آمده‌اند، چگونه جذب شده‌اند؟ و آن‌هایی که نیامده‌اند چرا نیامده‌اند؟ بالاخره یک تفاوت و ایرادی وجود داشته است و آن کسانی که نیامدند یک مشکلی داشته‌اند. ممکن است آدم‌های بدی هم نباشند،

اما بالاخره اینکه به دین و مذهب جذب نشده‌اند حاکی از وجود مشکلی در آنهاست. چرا می‌خواهید سراغ آن کسانی بروید که دچار مشکل‌اند؟ چرا به کسانی که سالم هستند و خودشان آمده‌اند نپردازیم و همین‌ها را پرورش ندهیم؟

چه کسانی را به تیم ملی دعوت می‌کنند؟ غیر از این است که آن‌ها را از بین بهترین افراد از لحاظ جسمی انتخاب می‌کنند؟ چرا کسی را که مثلاً پایش لنگ است، به تیم ملی فوتبال دعوت نمی‌کنند؟ بلکه به او می‌گویند: «تو به درد این کار نمی‌خوری، ما باید چقدر برای تو خرج کنیم تا تازه بتوانی کمی بدوی!» از همان اول می‌روند و روی کسی که خودش دهنده است، سرمایه‌گذاری می‌کنند.

کسی تعریف می‌کرد که ساعت‌ها با یکی از اهل کتاب در مورد اسلام صحبت کرده بودند تا مسلمان شود. یک روز ظهر او را به مسجد آوردند تا شهادتین را در آنجا بگوید. وقتی می‌خواست از مسجد بیرون برود، دید کفش‌هایش را دزد برده است! همان دم در داشت از مسلمان شدنش پشیمان می‌شد. طبیعی است که وقتی جذب به دین سطحی باشد، عوارض هم همین‌ها خواهد بود.

■ ۵. اولویت نخبگان معنوی با توجه به دشواری کار تبلیغات دینی

دشواری تبلیغات دینی به خاطر ناکارآمدی ایمان‌های سطحی از یک طرف، اولین و مهم‌ترین خطری که جذب کردن انسان‌ها به دین می‌تواند داشته باشد، سطحی بار آمدن آن‌هاست. از طرف دیگر هم خدا ایمان سطحی را رها نمی‌کند و امتحان می‌گیرد: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان

آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟» (عنکبوت/۲) لذا یکی از سختی‌های کار تبلیغات دینی همین است که خدا ایمان سطحی و ظاهری را رها نمی‌کند و آنها را با امتحان رسوا می‌نماید. یعنی اجازه نمی‌دهد ایمان در مرحله حرف و شعار بماند؛ بلکه حتماً باید در قلب هم وارد شود. در حالی که بسیاری از شگردهای تبلیغاتی تأثیرشان بیش از سطح نیست. اما در تبلیغات دینی نمی‌توان سطحی کار کرد. لذا یکی از سختی‌های کار تبلیغات دینی همین است که باید در عمق تأثیر بگذارد تا ماندگار باشد. اگر سطحی باشد، ادامه‌دار نخواهد بود و با اولین امتحان از بین می‌رود.

دشواری تبلیغات دینی به خاطر عمیق بودن و رفیع بودن مفاهیم دینی
 یکی دیگر از سختی‌های کار تبلیغات دینی، این است که ما می‌خواهیم به چیزی دعوت کنیم که در جایگاه رفیعی قرار دارد و عمیق و ژرف است. عمق دارد و عمقش نه به سهولت قابل درک است، و نه به سهولت قابل انتقال. فرق می‌کند با تبلیغ خوراکی‌ها، یا ترویج شهوت، که هم عموم مردم به سهولت درکش می‌کنند و هم ترویجش ساده است.

بعضاً به کم‌توفیقی‌های نهادهای مسئول فرهنگی کشور در زمینه تبلیغ و ترویج دین و کارهای فرهنگی انتقاد می‌شود و ما را با دیگران مقایسه می‌کنند که مثلاً آنها چقدر در تبلیغ بی‌فرهنگی و بی‌بندوباری خودشان موفق عمل می‌کنند، ولی ما در تبلیغ دین حق خودمان به اندازه آنها کار نمی‌کنیم و موفق نیستیم. بخشی از این حرف درست است که ما باید بیشتر برنامه‌ریزی کنیم؛ اما بخش دیگر به این برمی‌گردد که کار آن‌ها بسیار ساده‌تر است. باید به این واقعیت توجه داشت که آنها به گمراهی دعوت

می‌کنند ولی ما به سعادت راهنمایی می‌کنیم.

مستکبرین می‌خواهند مردم را به شهوت و شکم دعوت کنند. واضح است که آن‌ها به راحتی می‌توانند این کار را انجام دهند. مثلاً اگر یک گروه فیلم بردار و فیلم‌ساز بخواهند در مورد شهوت رانی فیلم بسازند، از آن راننده تا بازیگر و کارگردانشان، همه تجربه شهوت دارند. ولی اگر ما بخواهیم یک فیلم برای نماز بسازیم، شاید نتوانیم یک کارگردان پیدا کنیم که دو رکعت نمازی که خدا در آن شهود شود تجربه کرده باشد. انسان خوب زیاد داریم، اما مگر چند نفر را می‌توانیم پیدا کنیم که تجربه دو رکعت نمازی را که انسان در آن خدا را شهود کند، داشته باشد؟ لذا کار ما سخت است، ولی کار آن‌ها آسان. اینقدر نباید گفت که ما چقدر نسبت به آن‌ها عقب هستیم. ما عقب هستیم، اما نه نسبت به آن‌ها. ما نسبت به آنجایی که باید می‌رسیدیم عقب هستیم و باید تلاشمان را مضاعف کنیم؛ ولی این وضعیت را نمی‌توان با آن‌ها مقایسه کرد و گفت که آن‌ها از ما جلوترند، چرا که ماهیت کار ما با آن‌ها متفاوت است.

آن‌ها می‌خواهند شهوت رانی را رواج بدهند، و طبیعی است که این کار برایشان بسیار آسان است. هر کارگردانی، می‌تواند فیلم شهوت برانگیز بسازد؛ چون خودش تجربه کرده است. اما چه کسی می‌تواند نماز را به این سهولت تجربه کند، و حتی اگر هم تجربه آن را هم داشته باشد، چگونه این تجربه را به دیگری که در این عوالم نیستند منتقل کند؟ «من، گنگ خواب دیده و عالم همه کر» لذا کار ما بسیار سخت است.

آسان بودن کار برای مذهبی‌ها با توجه به دشواری‌های تبلیغ گاهی از اوقات می‌خواهیم این کار سخت را با هزار ترفند آسان کنیم،

اما یک کار آسان را انجام نمی‌دهیم و از آن غافلیم. آن کار آسان این است که چند نفر مذهبی را جمع کنیم و برایشان کلاس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه بگذاریم، بدون اینکه بخواهیم برای جذب آن‌ها از ابزارهای تبلیغاتی هزینه کنیم.

متأسفانه امروزه آنچه بین مذهبی‌ها رواج پیدا کرده این است که برای کار فرهنگی باید دنبال سخنران جذاب بروند. یا اگر می‌خواهند برنامه فرهنگی بگذارند، باید این برنامه جذابیت خاصی داشته باشد. این فکر، اشتباه است. مذهبی‌ها که دیگر نیاز به جذابیت ندارند. مگر برای مذهبی‌ها لازم است کسی جذاب صحبت کند تا خوابشان نگیرد؟ اگر جهتم و بهشت در آیه باشد، با زبان بسیار ساده هم که بخوانند، باید خواب از سرشان بپرد.

اگر مذهبی‌ها هیأت راه می‌اندازند، چه نیازی است که حتماً معطل سخنران خوب باشند؟ هر سخنرانی که بتواند چند روایت برایشان بخواند کافی است و این خود فرد مذهبی است که باید تأثیر بگیرد. یعنی باید تأثیر را از روایت بگیرند نه از سخنران. مگر حتماً باید روایت را با آب و تاب و جذاب بخوانند که انسان از آن تأثیر بگیرد؟ باید سطح کار را برای مذهبی‌ها بالا گرفت. در مهدکودک است که مربی باید با سرگرمی و بازی به بچه‌ها آموزش بدهد. اما برای دانشجو و محقق که دیگر نیازی به ایجاد سرگرمی برای آموزش نیست. خود مطلب برایشان جذابیت دارد و دیگر نیازی به ایجاد جذابیت‌های ظاهری نیست.

روضه و مداحی برای مجالس عمومی باید قشنگ و در حد ظرفیت عموم باشد و جلوه بدی نداشته باشد. اما مذهبی‌ها که دور هم جمع

می‌شوند و می‌خواهند روضه بگیرند، گریه کنند، سینه بزنند، چه نیازی دارند که بهترین مداح را دعوت کنند؟ هرکس باید خودش بسوزد و گریه کند. روضه خواندن هم بهانه‌ای برای گریه و یادآوری است. باید گریه‌هایشان برای مصیبت باشد، نه برای سوز صدای روضه‌خوان. زمان جنگ از این نمونه‌ها دیده می‌شد که خیلی‌هایشان هم شهید شدند.^۱

البته قبول داریم که وقتی کسی می‌خواهد حرکت بزرگی را در محلّ خودش راه بیندازد، سخن دیگری است و باید با جذابیت و تبلیغات کار کند. اما اگر چند نفر مذهبی می‌خواهند برای خودشان برنامه بگذارند، همان امام جماعت محلّ برایشان کافی است. چه لزومی دارد که حتماً یک نفر سخنان سرگرم‌کننده برایشان بگوید و در سخنانش قصه و لطیفه باشد؟ مذهبی‌ها که نباید این‌گونه باشند.

تعامل با مذهبی‌ها آسان است. چون آنها وظیفه خودشان می‌دانند که بیایند و بنشینند و خسته هم نشوند. ولی برای یک غیرمذهبی باید هر دفعه جذابیت جدیدی ایجاد کرد تا به مسجد بیاید. کار کردن با مذهبی‌ها در مسجد نه تنها در اولویت است، بلکه از سهولت بیشتری هم برخوردار است. اینکه از اولویت برخوردار است به خاطر این است که اثرش بیشتر است چرا که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». هرچقدر هم از دین صحبت کنی، اثرش به اندازه‌ای که دو نفر به این دین به خوبی

۱. این سخن با مطلب گذشته ما منافاتی ندارد که گفتیم کسی که هم قدرت جذب مذهبی‌ها را دارد و هم قدرت جذب غیرمذهبی‌ها را، بهتر است که وقت و سرمایه‌اش را روی تربیت و رشد مذهبی‌ها بگذارد. اینکه مربیان و سخنرانان توانمند و عمیق باید همتشان را صرف تربیت مذهبی‌ها کنند یک بحث است و اینکه مذهبی‌ها نباید بیشتر از توجه به محتوا و عمق دین به دنبال جذابیت ظاهری باشند، بحث دیگری است که هر دو در جای خود درست است.

عمل کنند، نیست.

آیا یک سخنران و مبلغ که می‌تواند فعالیت‌هایی انجام دهد که در نتیجه آن فعالیت‌ها چندصد نفر را جمع کند موفق‌تر است یا کسی که می‌تواند تعداد معدودی را به‌گونه‌ای تربیت کند که یکی از آن‌ها شهید چمران شود، یکی ابوترابی و دیگری شهید رجایی؟ ما باید سراغ تربیت‌های اصیل برویم.

شما هرچقدر هم برای جذب دیگران دکور مسجد را خوش آب و رنگ کنید، باز هم دکور جذاب‌تر در فضای مجازی وجود دارد که باعث شود تزیینات مسجد به چشم نیاید. باید سراغ اصالت‌ها برویم. اگر دیدیم کسی مذهبی است، با او منطقی صحبت کنیم و بگوییم: «پیامبر اکرم (ص) فرموده: مؤمن باید هفته‌ای یک بار برای اسلام خودش و برای درک معارف دینی خودش وقت بگذارد^۱، حالا توجزه آن‌ها هستی یا نه؟» این که ما در کار فرهنگی و دینی مدام به دنبال ایجاد جاذبه بوده‌ایم، عارضه بدی روی خود مذهبی‌ها هم ایجاد کرده و آن این است که گاهی دیده می‌شود باید برای جمع کردن چند بچه مذهبی برای تشکیل یک کلاس نهج‌البلاغه نیز باید تلاش و اصرار کرد.

در حالی که نفس این‌گونه کلاس‌ها باید برای مذهبی‌ها جذاب باشد. آنچه در برنامه‌های مذهبی برای مذهبی‌ها اهمیت دارد «درست بودن» است نه «جذاب بودن». جاذبه‌اش به محتوایش است. جاذبه‌اش به این است که کلام خدا و اهل بیت (ع) در آن مطرح می‌شود و گره‌گشاست.

۱. پیامبر اکرم (ص) فرمود: أَقْبَلُ لِكُلِّ مُسْلِمٍ لَا يَجْعَلُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ يَوْمًا يَتَفَقَّهُ فِيهِ أَمْرٌ دِينِيهِ وَ يَسْأَلُ عَنْ دِينِهِ: اف بر هر مسلمانی که در هر هفته روزی راه کار آموختن امور دینی خود و پرسیدن مسائل دینیش اختصاص ندهد. (المحاسن، برقی، ج ۱، ص ۲۲۵)

کافی است که حرف مفیدی باشد و برایش منفعت داشته باشد. همین کفایت می‌کند. «وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ؛ متقین این‌گونه هستند که گوش‌هایش را وقف علم نافع کرده‌اند.»^۱ به این دلیل است که می‌گوییم کار کردن برای مذهبی‌ها سهل‌تر است.

به عنوان مثال، ثمرهٔ اینکه شما یک دانش‌آموز مذهبی را به مسجد جذب کنید این است که او با وجود اینکه هوش متوسطی دارد اما در کنکور راحت قبول می‌شود و وقتی از او می‌پرسند: «تو چرا راحت قبول شدی؟ مگر در مسجد کلاس کنکور می‌گذارند؟» می‌گوید: «نه، مسجد به من یاد داده که مقابل هوسرانی‌های خودم بایستم. از وقتی مقابل این‌ها ایستادم، دیگر موقع درس خواندن بی‌حوصله نیستم. بی‌حوصله که نباشم، هوش متوسط من با هوش بالا برابری می‌کند. من قدرت تمرکز را در مسجد با نماز خواندن یاد گرفتم.»

اگر در مسجد به بچه‌ها قدرت تمرکز در نماز را یاد بدهید، درس خوان خواهند شد. انسان‌هایی که در مسجد رشد و نمو می‌کنند، انسان‌هایی همه‌جانبه بار می‌آیند. باید به‌گونه‌ای باشد که دخترهای هر محله‌ای، خانم‌های مسجدی را که می‌بینند همه باحجاب شوند؛ چرا؟ چون با نشاط‌ترین خانم‌های محله، باید خانم‌های مسجدی باشند. یک خانم مسجدی که در مسجد به صورت صحیح رشد یافته باشد، طبیعتاً با نشاط‌تر، با انرژی‌تر و مهربان‌تر از دیگران و اهل محبت کردن به زنان دیگر است. اگر از او بپرسند: «خانم! شما هیچ وقت در زندگی‌تان ناراحتی پیش نمی‌آید؟» می‌گوید: «چرا، الحمدلله ناراحتی‌هایی هم هست که

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ معروف به خطبهٔ متقین.

خدا حتماً برای آزمایش قرار داده» یا مثلاً همه می‌بینند که دچار سرطان شده، ولی اصلاً ناراحت نیست و می‌گوید: «خدا خواسته، محبتش است، مگر جای بدی می‌خواهم بروم؟»

اولویت کار برای نخبگان معنوی با استدلال روایی

این مطلب را با بیانی دیگر در روایات اهل بیت (ع) هم می‌توان مشاهده کرد. در روایت از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ؛ مردم را با اعمالتان [به دین] دعوت کنید، نه با زبان‌هایتان»^۱ با چند مقدمه این مطلب روشن می‌شود:

مقدمه ۱. بهترین و مؤثرترین روش برای هدایت انسان‌ها، اعم از جذب به دین و رشد در مسیر تربیت دینی، عمل است. هیچ چیزی مانند عمل، در هدایت مؤثر نیست. روایت «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ» ظاهراً از باب ارشاد به حکم عقل است. یعنی نه اینکه مردم را هم با زبان می‌شود به دین دعوت کرد، هم با غیرزبان، اما شما با «غیرزبان» دعوت کنید. نه، بلکه می‌خواهد بفرماید که دعوت با عملتان مؤثرتر

۱. قرب الإسناد، حمیری، ص ۷۷.

است. با عملتان دعوت کنید، چون مؤثرتر است. با «عمل خوب» مردم را به دین دعوت کردن، هم مؤثرتر از «بیان خوب» است، هم عمیق‌تر و هم ماندگارتر.

در این تردیدی نیست که گفتار پیامبر و ائمه (ع) بسیار تأثیرگذار است، اما این نیز واقعیتی انکارناپذیر است که سیره و عمل آنها بیشتر تأثیرگذار بوده است. بخش عمده‌ای از تأثیر احادیث ایشان نیز به خاطر عملی است که پشتوانه تأثیرگذاری آن احادیث به حساب می‌آید. لذا هر قدر که ما تأثیر کلام بزرگان دین را در هدایت انسان‌ها، بالا بدانیم، قطعاً حضور و وجود آنها و مشاهده عمل آنها، تأثیری صدچندان داشته است. پس نکته اول اینکه «بهترین روش برای دعوت انسان‌ها به دین، عمل است»

مقدمه ۲. اینکه در روایت توصیه می‌کند که مردم را با «عمل» خودتان

به دین دعوت کنید، منظور چه عملی است؟

مقدمه ۳. نکته سوم برای استفاده از این روایت، این است که معنویت عمل، به معنویت عامل آن بستگی دارد. پشتوانه معرفتی و معنوی عمل، به میزان معرفت و معنویت عامل آن است. هرچقدر

این فایل نسخه کامل کتاب نیست

و فقط حاوی بخش‌هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می‌باشد.

جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.



«اولویت داشتن نخبگان معنوی» و برداشت‌های نادرست

■ لزوم توجه به نسبی بودن تعریف نخبگی

گاهی در مقام عمل ممکن است برداشت‌های نادرستی از اولویت دادن به تربیت نخبگان، به وجود بیاید.

نکته اول اینکه اولویت دادن به پرورش نخبگان معنوی، یک اصل کلی است و جهت را مشخص می‌کند. یعنی در هر جایی که بخواهیم کار کنیم، باید متوجه باشیم که تمرکز بر روی کسانی را که نسبت به دیگران بهره بیشتری از معنویت دارند، در برنامه‌ریزی‌ها منظور کنیم. منظور ما از «نسبت به دیگران» این است که نخبه بودن

■ اولویت نخبگان یک قاعده است؛ اما استثنائات همیشه

وجود دارند

نکته دوم اینکه این قاعده، یک قاعده و روش کلی است و در برنامه‌ریزی‌های کلان اهمیت زیادی دارد. اما طبیعتاً موارد خاص را باید از شمول این قاعده کنار گذاشت. یعنی بسته به شرایط، ممکن است عمل ما متفاوت باشد. ممکن است در شرایطی لازم باشد که بی‌دین‌ها را جذب کنیم یا تلاشمان را بر این بگذاریم که بتوانیم یک انسان بی‌دین را نمازخوان کنیم و کسی که چنین کاری انجام دهد شاید ثواب آن برای همه عمرش کافی باشد. اما بحث ما بحث از اولویت‌هاست و اینکه آنچه اهمیت و اولویت دارد توجه به خوب‌هاست.

از

■ حس نامطلوب اولویت داشتن یک عده خاص

اولویت دادن به پرورش مذهبی‌ها نسبت به غیرمذهبی‌ها و پرورش نخبگان معنوی نسبت به عموم مذهبی‌ها، ممکن است ابتدائاً یک احساس نامطلوب در انسان ایجاد کند. یا ممکن است کسانی که هنوز خیلی با دین آشنا نشده‌اند یا خودشان را خیلی معنوی نمی‌دانند، ابتدائاً از چنین اولویتی خوششان نیاید. کسانی که پدران و مادران آنها مذهبی نبوده‌اند، در یک محیط مذهبی بزرگ نشده‌اند و...، چه گناهی کرده‌اند که در مقام برنامه‌ریزی فرهنگی نباید در اولویت اول قرار بگیرند؟ مگر دین برای سعادت همه انسان‌ها نیست؟ آیا این درست است که مذهبی‌هایی که توفیق آشنایی با دین را پیدا کرده‌اند، بعد از این آشنایی باز هم رشدشان در اولویت باشد؟ آیا نباید دلمان برای همه انسان‌ها بسوزد که با این آیین سعادت‌بخش دنیا و آخرت، آشنا شوند؟ آیا درست است که عده‌ای با دین «خیلی» آشنا شوند، و عده‌ای در بی‌خبری بمانند؟ این اولویت دادن به پرورش نخبگان معنوی و در اولویت قرار ندادن جذب غیرمذهبی‌ها، چه معنایی دارد؟

این اولویت به این معنی است که

این فایل نسخه کامل کتاب نیست

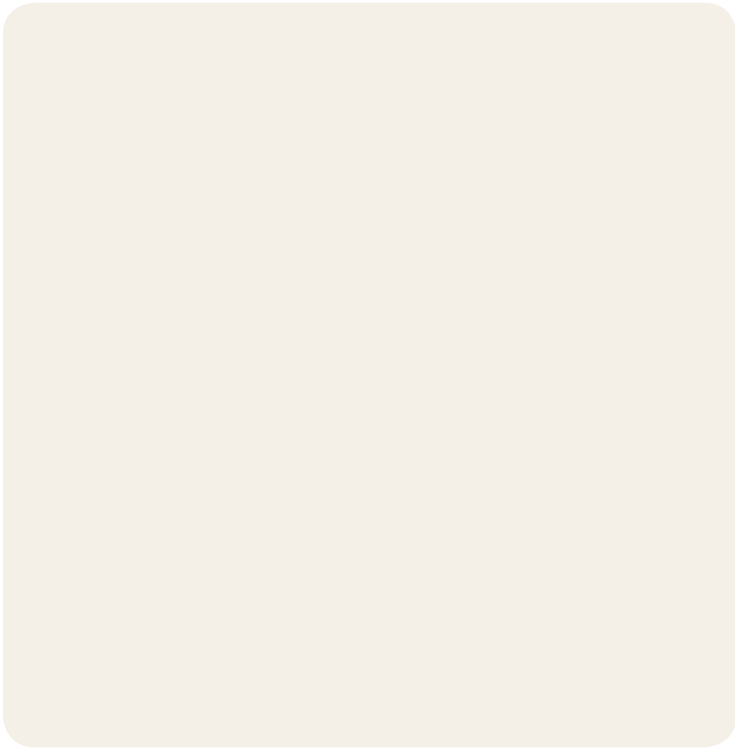
و فقط حاوی بخش هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می باشد.

جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت طاقچه به آدرس taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.

این فایل نسخه کامل کتاب نیست

و فقط حاوی بخش‌هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می‌باشد.

جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت طاقچه به آدرس taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.



اولویت کافی نیست، روش‌های تربیتی صحیح هم شرط است

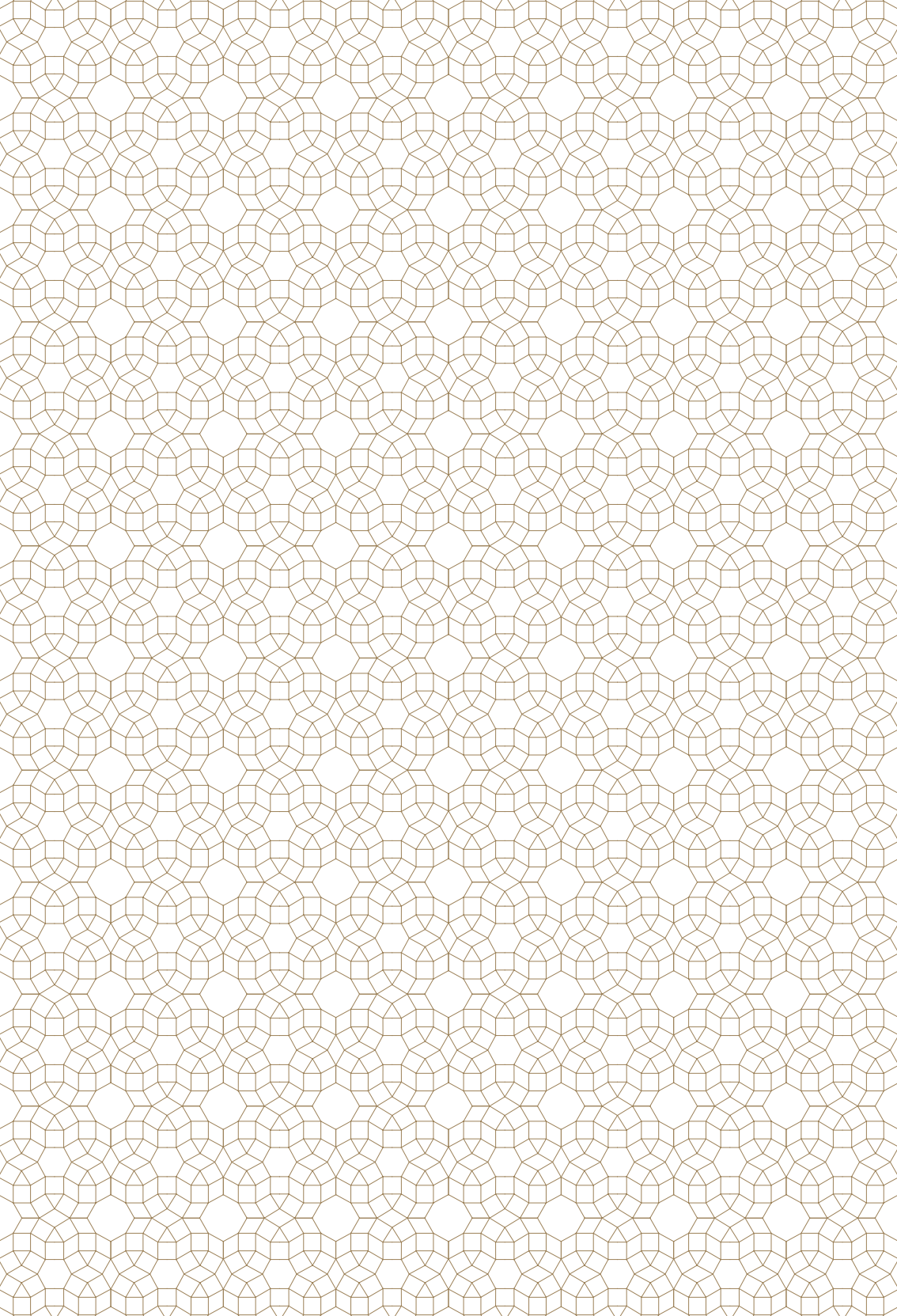
گرچه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر روی نخبگان معنوی و تعالی آن‌ها را باید در صدر برنامه‌ها قرار داد، اما درست بودن این برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری هم، شرط مهمی در موفقیت این برنامه‌ها است. آسیب‌هایی که در این زمینه ممکن است رخ بدهد یا رخ داده است را باید عموماً ناشی از عدم توجه به اولویت‌ها و تناسب‌ها در مقام پرورش یک انسان بدانیم. تأخیر در دادن یک آگاهی اولویت‌دار و دادن آگاهی دیگر صحیح اما فاقد اولویت به جای آن و یا اهمیت دادن بیش از حد به یک مقوله و غفلت از مقوله پراهمیتی دیگر، یکی از رایج‌ترین اشتباهات در پرورش نیروها است که تأثیر نامطلوبش را در عمل او و در تأثیرات بدی که بر روی اطرافیان می‌گذارد، می‌توان مشاهده کرد.

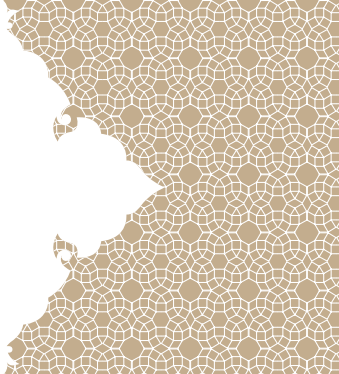
جوانی که دیگران ساعت‌ها از وقتش را برای آموزش احکام و

یا اعتقادات گرفته‌اند، اما از پرورش ابعاد انسانی و اخلاقی او غفلت کرده‌اند، چه بسا باعث دفع دیگران از دین هم بشود.

خاتمه: نخبگان معنوی به مثابه شاخص‌های موفقیت یک دین

هیچ چیز برای اثبات صحّت یک نظریه، مؤثرتر از نشان دادن یک نمونه عینی و بیرونی از آن نیست و هیچ چیز برای نشان دادن زیبایی‌های یک مکتب، مؤثرتر از نمایش نمونه اجرا شده و مصداق عینی آن نیست. نخبه‌های معنوی، «اجرا شده‌های دین» هستند. هرچه این اجرا کامل‌تر باشد، دین در جذب انسان‌های مستعد، موفق‌تر خواهد بود. نخبه‌های معنوی، نمایش دین هستند. هرچه این نمایش زیباتر باشد، در تبلیغ دین مؤثرتر خواهد بود. نخبه‌های معنوی، شاخص‌های موفقیت دین تلقی می‌شوند، هرچه این شاخص‌ها بالاتر باشند، ارزیابی دیگران در مورد این دین بهتر خواهد بود و طبیعتاً بیشتر به آن دین گرایش پیدا خواهند کرد. هیچ چیز به اندازه سرمایه‌گذاری برای ارتقای نخبه‌های معنوی، نمی‌تواند در تبلیغ و گسترش معنویت مؤثر باشد. گسترشی که دامنه‌های آن تمام عالم را فرا خواهد گرفت.





هدف پرورش
نخبگان معنوی

یکی از آسیب‌های تربیت خوبان، توقّف است. توقّف در همین حد که مثلاً چند نفر بچه مذهبی دور هم جمع شده‌اند و مسجدی هستند و دیگر هیچ. آیا این‌ها خیلی بهتر از بقیه شده‌اند، یا در همان حد باقی مانده‌اند؟ آیا تفاوت این‌ها با دیگران فقط در آن است که این‌ها به مسجد می‌آیند و دیگران نمی‌آیند؟

اگر بخواهیم خوبانی را تربیت کنیم که اثرشان در جامعه بیشتر باشد، باید تا جایی که در توانمان است آن‌ها را به گونه‌ای تربیت کنیم که در اعلی درجات معنویّت قرار بگیرند.

خاطره‌ای از آیت الله شاه‌آبادی (ره)

یکی از بازاریان که از شاگردان مرحوم آیت الله شاه‌آبادی بود، نقل می‌کرد که ایشان، یک شب در یکی از سخنرانی‌هایشان، با ناراحتی اظهار داشتند که چرا افرادی که در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه‌های معنوی نشان نمی‌دهند؟ و فرمودند: آخر مگر شماها نمی‌خواهید آدم شوید؟ اگر نمی‌خواهید، من این قدر به زحمت نیفتم!

همین فرد می‌گوید: بعد از منبر، ما چند نفر خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می‌خواهیم آدم بشویم، چه کنیم؟ ایشان فرمودند: من به شما سه دستور می‌دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت بیایید تا برنامه را ادامه دهیم.

سه دستور ایشان چنین بود:

۱. مقید باشید نماز را در اول وقتش اقامه کنید. هر جا بودید و شنیدید صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید؛ حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

این فایل نسخه کامل کتاب نیست

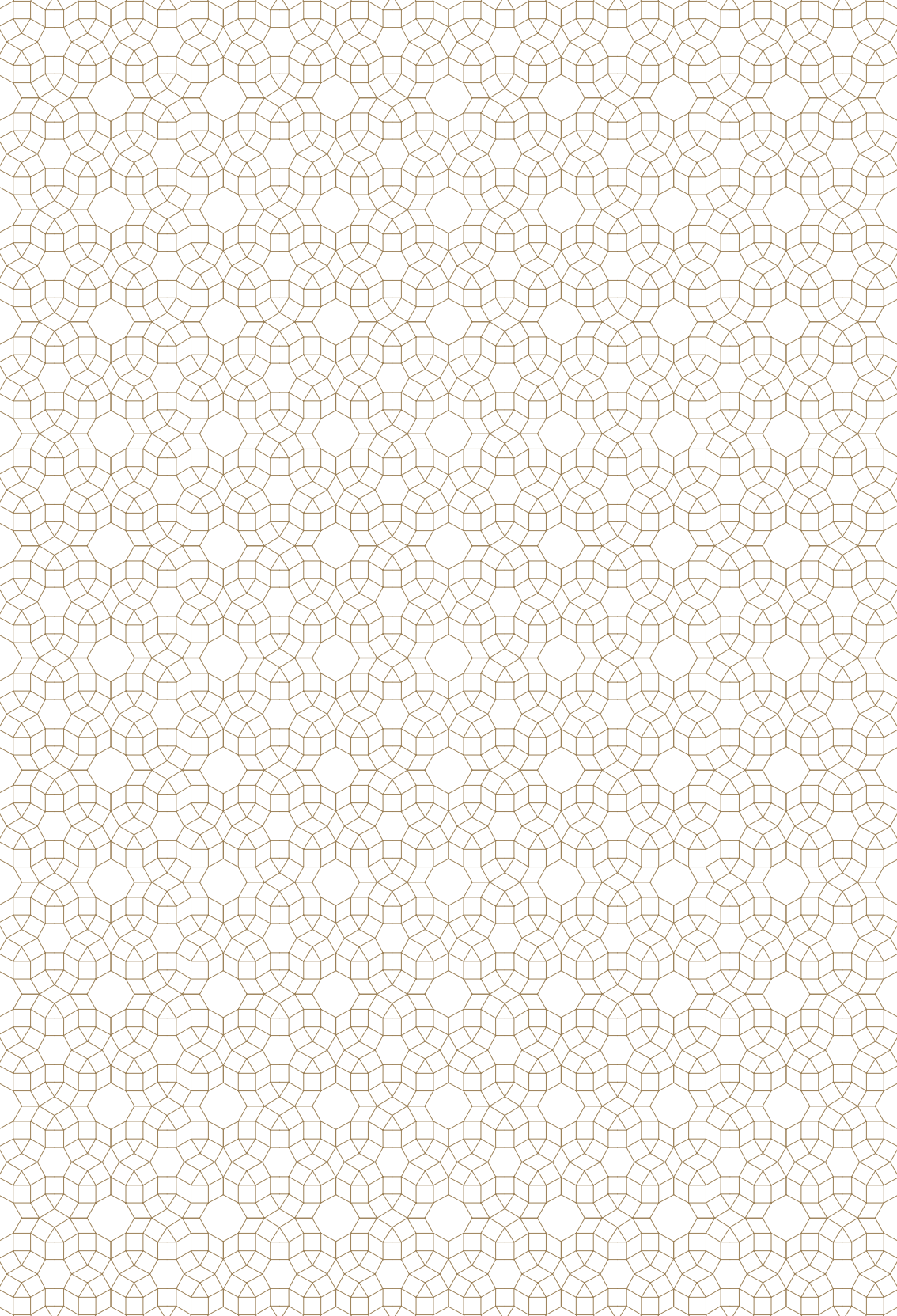
و فقط حاوی بخش هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می باشد.

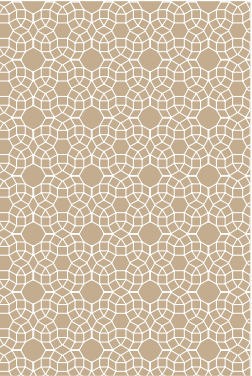
جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.

کار روحانیت، اسوه‌سازی است نه تربیت حداقلی

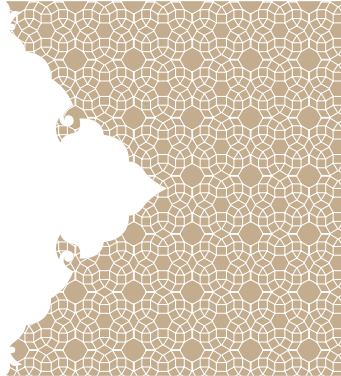
علت اینکه چنین مباحثی، در مورد سیاست‌گذاری مساجد مطرح می‌شود این است که هدف روحانیت از تربیت کردن در مساجد حداقلی نیست. بلکه هدف، تربیت «انسان» و به اوج رساندن اوست. هدف ما تربیت سیصد و سیزده نفر برای یاری کردن امام زمان (عج) است، نه اینکه بخواهیم آمار آسیب‌های اجتماعی یا بزهکاری را پایین بیاوریم.

البته طبیعی است که اگر ما وظیفه‌مان را به‌درستی انجام دهیم، آمار زندانی‌ها هم کاهش پیدا خواهد کرد؛ اما کار ما این نیست که نگذاریم جوانی قتل انجام دهد. کار ما این است که قلّه و اُسوه بسازیم، تا این اُسوه‌ها روی بقیه تأثیر بگذارند. تا وقتی که تفاوت و اختلاف این اُسوه‌ها با بقیه زیاد نباشد، نتیجه حاصل نخواهد شد. تفاوت اُسوه‌ها با بقیه باید بسیار زیاد باشد و در تربیت اُسوه‌ها نیز باید سخت‌گیری شود.





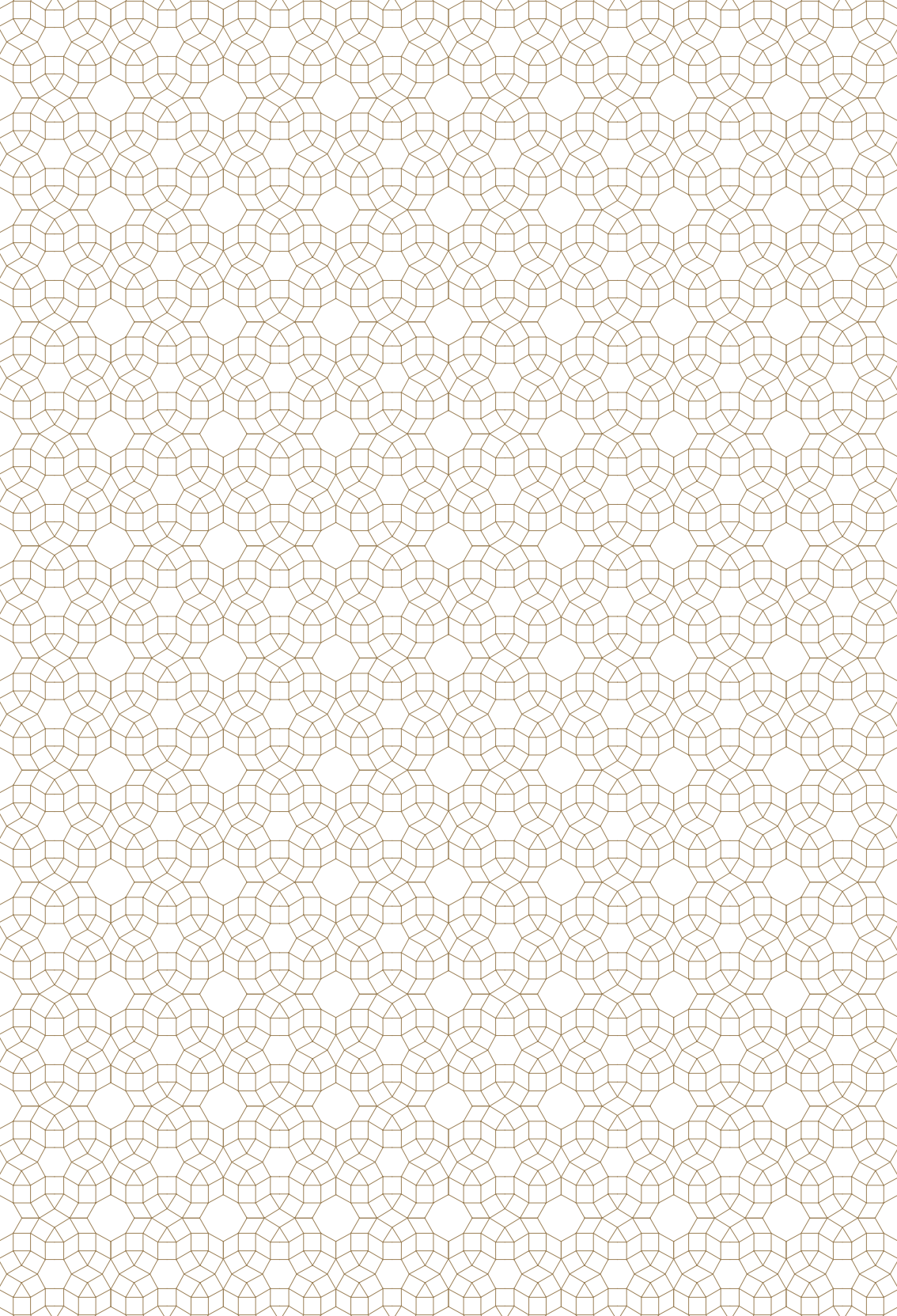
برنامه‌هایی برای
تربیت نخبگان
معنوی



با توجه به دو محور اصلی بحث در مورد پرورش نخبگان، یعنی اولاً
اولویت این پرورش و ثانیاً افق این پرورش که می‌تواند تأثیر بسزایی در
نگاه ما به فعالیت‌های پرورشی و تربیتی داشته باشد، مناسب است به
برخی از برنامه‌ها که هم در مساجد قابل اجرا هستند و هم می‌توان در بستر
آن‌ها به تربیت نخبگان پرداخت اشاره کنیم:

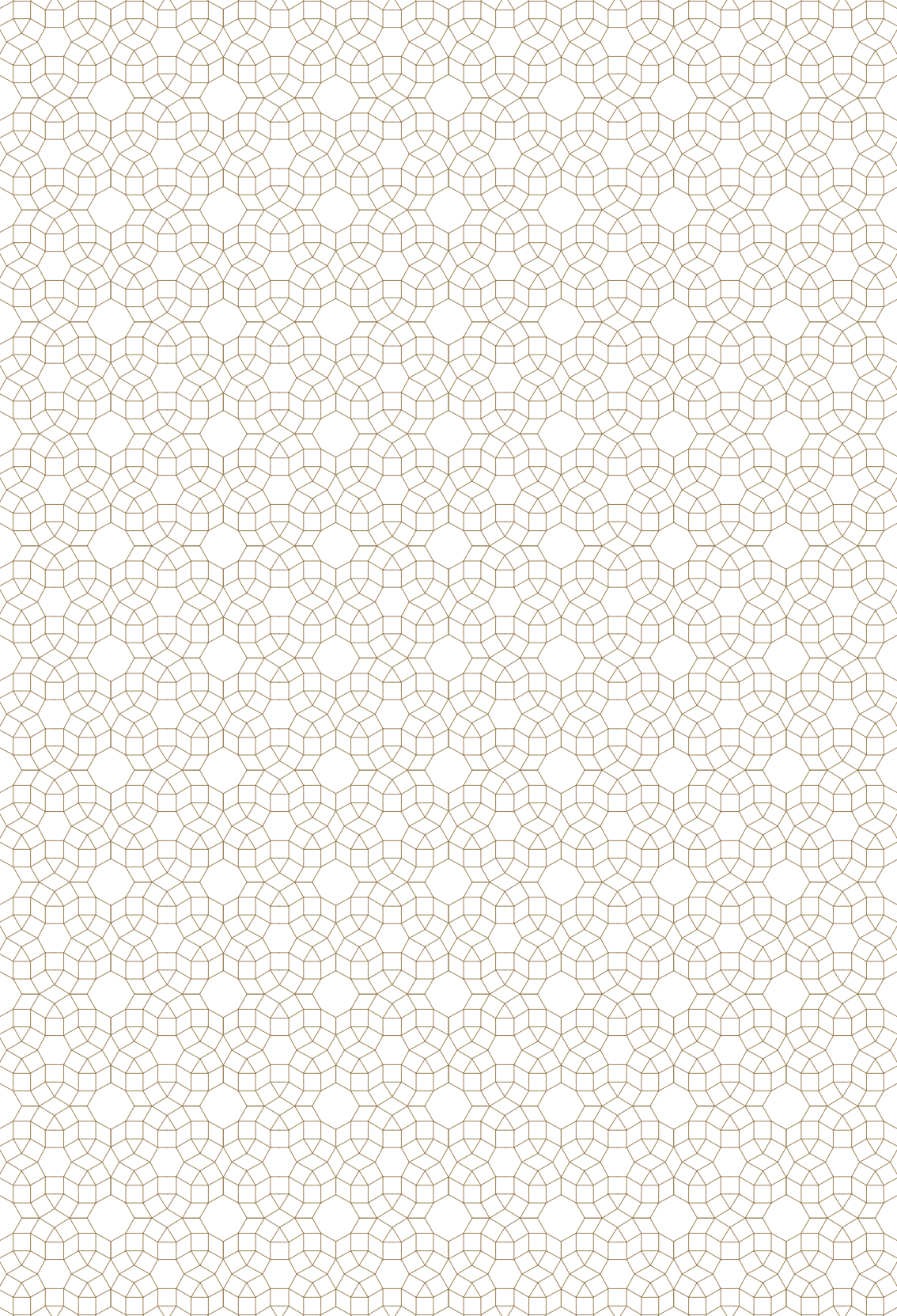
کلاس‌های هفتگی تفسیر قرآن و نهج البلاغه

کلاس‌های تفسیر قرآن و نهج البلاغه از کلاس‌های درسی است که می‌توان به صورت هفتگی برگزار کرد. وجود چند نفر هم برای تشکیل این کلاس‌ها کفایت می‌کند و خواهید دید که



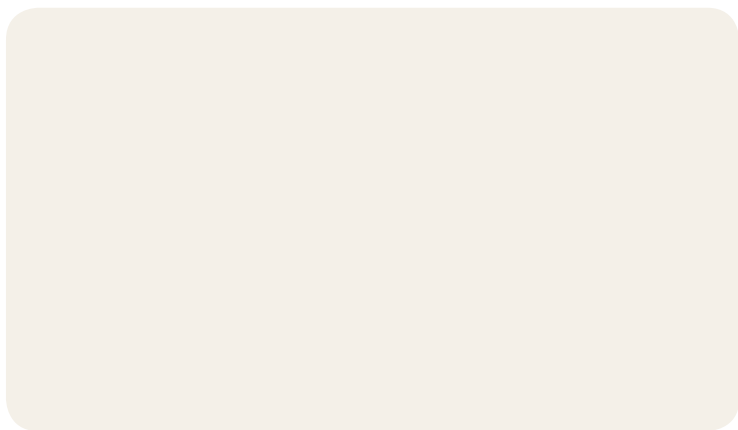
تدریس تاریخ اسلام

یکی دیگر از کارهایی که می‌توان در مساجد انجام داد، تدریس تاریخ اسلام است. تاریخ اسلام برای تربیت نخبگان معنوی بسیار مؤثر است. هیچ چیزی مثل تاریخ اسلام، انسان را قوی بار نمی‌آورد. بسیاری از جوان‌ها مذهبی هستند ولی



انس با قرآن

از دیگر برنامه‌هایی که بسیار خوب است در مساجد وجود داشته باشد، انس دادن مخاطبین به خواندن قرآن است. الحمدلله برنامه قرائت قرآن بعد از نمازها در خیلی از مساجد رواج پیدا کرده است. برنامه قرآنی دیگری که در بعضی مساجد اجرا شده این است که برای چند نفر از دانش‌آموزهای مسجدی، برنامه قرائت قرآن گذاشته بودند. به این صورت که قرار بود هرکسی پیش خودش هفته‌ای یک جزء قرآن بخواند و هرکس که یک جزء قرآنش را نخوانده بود خودش هفته بعد به مجلس نیاید. هرکدام از بچه‌هایی که



اُنس با احادیث اهل بیت (ع)

یکی از برنامه‌های رایجی که می‌توان در مساجد داشت، برنامهٔ قرائت و حفظ احادیث است. یکی از امام جماعت‌های یکی از مساجد جنوب شهر تهران که به رحمت خدا رفته‌اند، برنامهٔ جالبی در مسجد داشت که بسیار هم اثرگذار بود و با برنامه‌هایش تعداد زیادی شهید تربیت کرده بود. ایشان مقید بود قبل از اذان به مسجد می‌آمد، در جمع مأمومین می‌نشست و انسان‌های مستعد را شکار می‌کرد.

چرا که در مساجد فرصت‌هایی هست برای اینکه انسان گوهرهای ناب را شناسایی کند. بعد با آنها صحبت کرده و آنها را جذب می‌کرد. وقتی که می‌دید فرد مستعدی است و مسجد را رها نمی‌کند و بدون جاذبهٔ خاصی به مسجد آمده، او را صدا می‌کرد و می‌گفت: «آیا دوست داری

چهل حدیث به تو یاد بدهم که هر روز که اینجا می‌آیی آنها را حفظ کنی؟ وقتی همه این‌ها را حفظ کردی، یک جایزه خوب پیش من داری.» با چهل حدیث، بچه‌ها را مشغول و آنها را وادار می‌کرد که هر کس چهل حدیث حفظ کند و برایشان آن روایت را می‌خواند که هر کس در روز قیامت چهل حدیث از احادیث ما را حفظ باشد، جزء فقها محشور می‌شود.^۱ جوان‌های آن مسجد همه حافظ حدیث بودند. این از روش‌های مؤثری است که ائمه جماعات می‌توانند پیاده کنند.

یکی از کارهای دیگری که ایشان قبل از انقلاب انجام می‌داد این بود که چون می‌دید بسیاری از زنان نمی‌توانند به مساجد بیایند و ما هم نمی‌توانیم مسائل آنها را علنی اعلام کنیم، لذا خودش احکام ویژه بانوان را ضبط می‌کرد و می‌گفت این نوار را برای خانم‌ها ببرید. نوارها را به خانه می‌بردند و بدین صورت زنان با احکام مخصوص به خودشان آشنا می‌شدند.

۱. امام صادق (ع) فرمود: مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَفِيهَا: هر کس ۴۰ حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خدا در روز قیامت او را عالم و فقیه مبعوث می‌کند. (کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۹)

پرورش معنوی مادران در مساجد

یکی از اهتمام‌هایی که در کار نخبه‌پروری در زمینه‌های معنوی وجود دارد، موضوع مادران است؛ به ویژه مادران جوان. اینکه گاهی به قصد کوچک شمردن، می‌گویند: «این جلسه، جلسهٔ زنانه است»، به خاطر نگاه اشتباه به این جلسات و عدم درک اهمیت آن‌هاست. حضرت امام فرمود که اسلام را ۱۴۰۰ سال است روزه‌ها حفظ کرده است^۱ و باید اضافه کرد، به ویژه روزه‌های زنانه. چرا که اگر مهر امام حسین (ع) در دل مادران ما نبود، فرزندان ما این‌گونه تربیت نمی‌شدند. اثر تربیتی که مادران بر فرزندان شان دارند بسیار بیشتر است و پدران آنقدر بر فرزندان مؤثر نیستند.

۱. امام خمینی (ره): آن کسانی که می‌گویند روزهٔ سیدالشهدا را نخوانید اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه. نمی‌دانند این گریه‌ها و این روزه‌ها حفظ کرده این مکتب را. الآن هزار و چهارصد سال است که با این منبرها و با این روزه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه‌زنی‌ها ما را حفظ کرده‌اند؛ تا حالا آورده‌اند اسلام را. (صحیفهٔ امام، ج ۸، ص ۵۲۶)

این درست نیست که مسجد از آقایان پر شود و خانم‌ها بدون هیچ فعالیتی پشت پرده بنشینند و

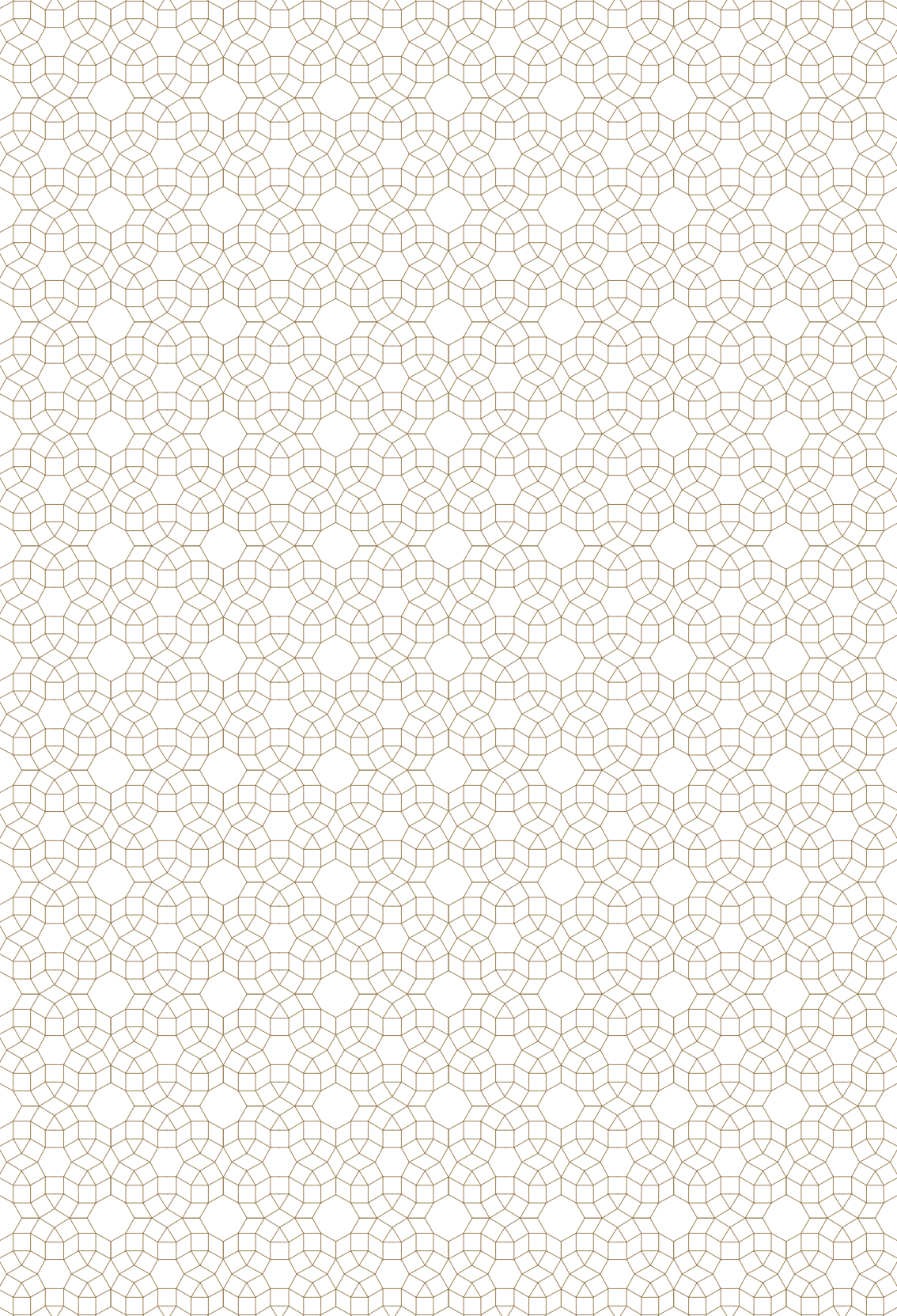
این فایل نسخه کامل کتاب نیست

و فقط حاوی بخش هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می باشد.

جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت طاقچه به آدرس taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.

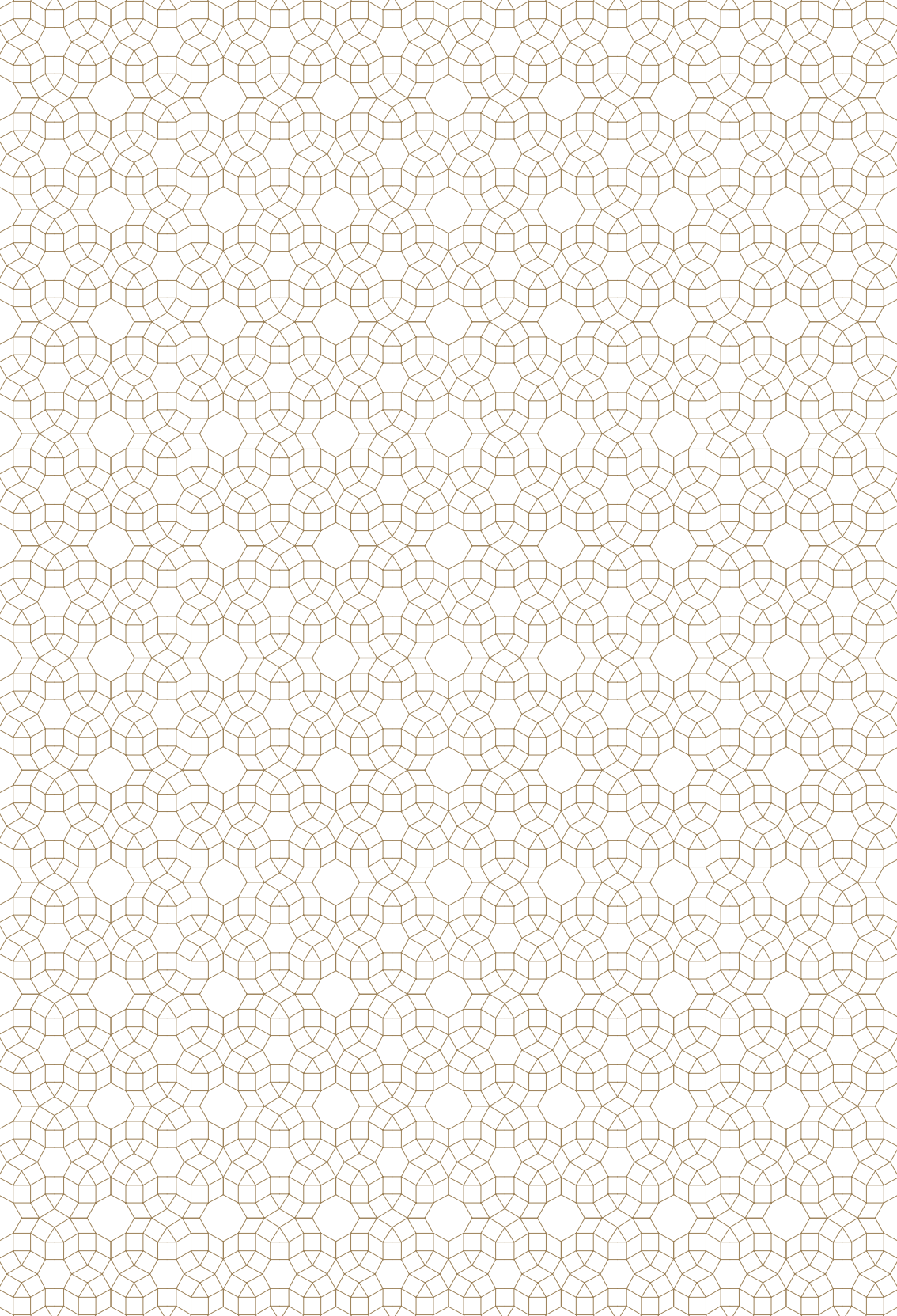
توجه به ارتقای علمی و معنوی دست‌اندرکاران امور مساجد

تربیت نخبگان در کانون‌های فرهنگی هنری مساجد باید در رأس قرار بگیرد. در مساجد بسیار دیده می‌شود که مذهب‌ها خودشان دچار فقر در معنویت و آگاهی‌های دینی هستند؛ اما چون عرق مذهبی دارند، دائماً در حال تلاش برای کار فرهنگی برای غیرمذهب‌ها هستند. لازم است اردو‌هایی برگزار شود تا همین محدود بچه‌های مذهبی مسجد برای یک دوره ده یا بیست روزه، آموزش ببینند. مذهب‌هایی که در مسجد برای دیگران کار می‌کنند، باید خودشان دوره تاریخ یا اخلاق بگذرانند. باید برای همین چند نفر، استاد دعوت کرد؛



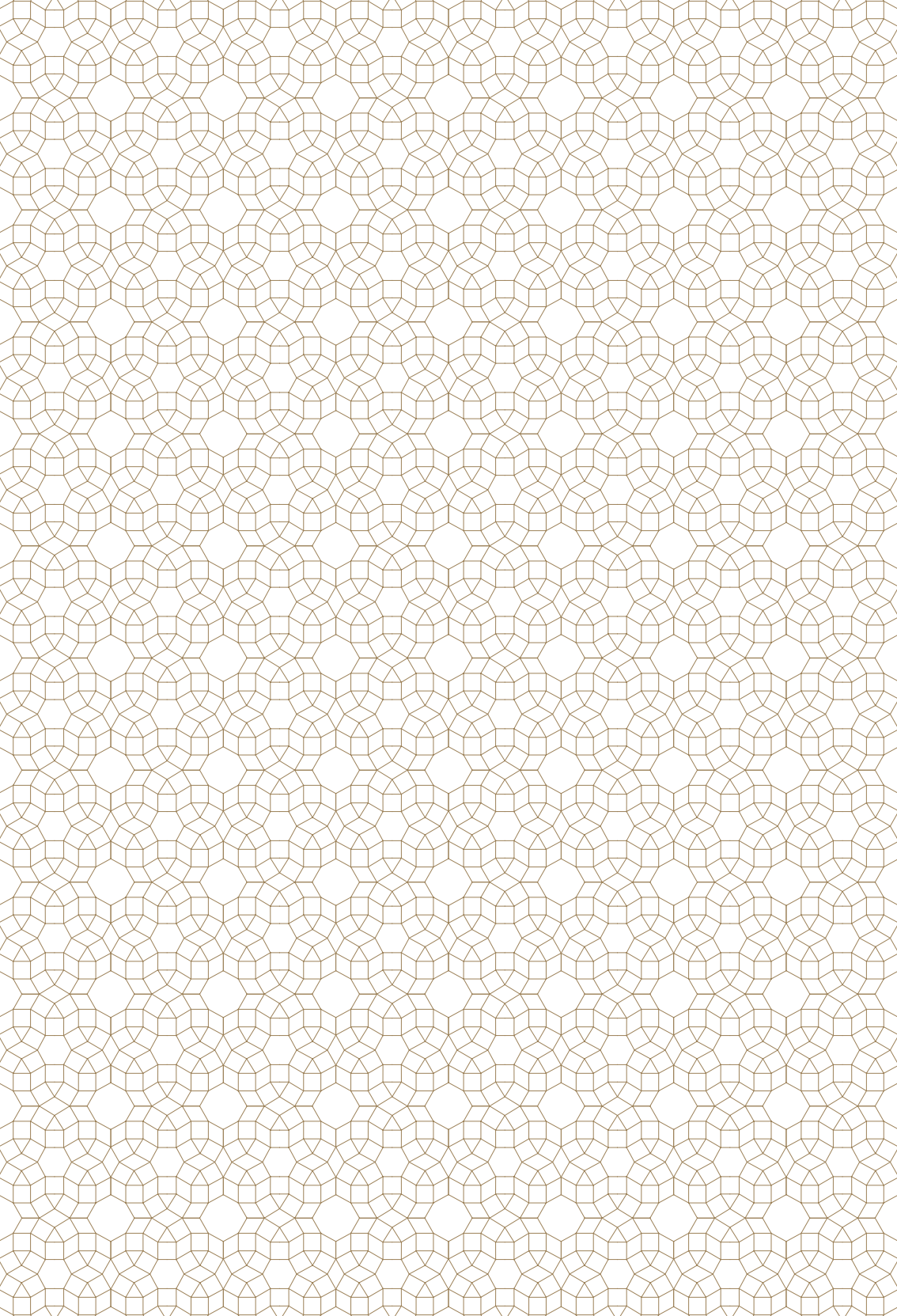
خلاصه کردن کتاب

در آموزش دادن، هیچ چیز به اندازه خلاصه کردن مؤثر نیست. مثلاً خلاصه کردن کتاب‌های شهید مطهری (ره) و بعضی از کتاب‌های آیت الله مصباح که دارای زبان عمومی‌تر است. یک دوره معارف قرآن آیت الله مصباح را می‌توانید به سهولت در مسجد به جوانان یاد بدهید. کتاب معارف قرآن آیت الله مصباح یزدی یک دوره آموزشی است و این کتاب برای آموزش نوشته شده است. لازم است که جوان‌های نخبه مسجد دوره کتاب‌های معارف قرآن را دیده باشند، یا آن‌ها را خلاصه کرده و بیاورند.



ناکافی بودن آموزش‌های عمومی برای پرورش نخبگان معنوی

هرگز در این گونه فعالیت‌ها نباید به آموزش‌های مدرسه یا صدا و سیما اکتفا کرد. نمی‌شود گفت: «بچه‌ها در مدرسه درس دینی‌شان را یاد می‌گیرند و در تلویزیون هم فیلم‌های دینی می‌بینند و دیگر نیاز به کار ویژه ما نیست.» حتماً باید نخبگان را با برنامه‌های ویژه تحت تعلیم و تربیت قرار داد. اگر انسان ویژه‌ای یافت شود که استعداد رشد معنوی داشته باشد، جامعه نمی‌تواند به صورت عمومی به او خدمت کند. باید برنامه‌های ویژه و خاص هم برای او وجود داشته باشد.



پرورش جامعه‌پذیری افراد در مسجد

یکی از اتفاق‌های دیگری که در مسجد می‌افتد، پرورش مهارت‌های اجتماعی مذهبی‌هاست. در مساجد فعالیت‌های فوق برنامه‌ای هستند که می‌توانند توانایی‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد را افزایش دهند و مهارت‌های آن‌ها را در این زمینه بالا ببرند. به‌عنوان مثال می‌توان در

این فایل نسخه کامل کتاب نیست

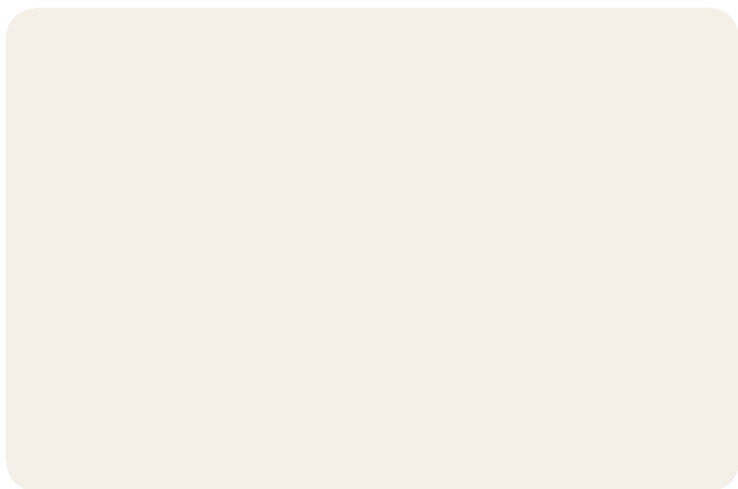
و فقط حاوی بخش هایی از کتاب «پرورش نخبگان معنوی در مساجد» می باشد.

جهت سفارش نسخه کاغذی و کامل به فروشگاه اینترنتی بیان معنوی به آدرس bayancenter.ir مراجعه کنید. برای مطالعه نسخه الکترونیک و کامل کتاب به سایت طاقچه به آدرس taaghche.com مراجعه و نام کتاب را جستجو کنید.

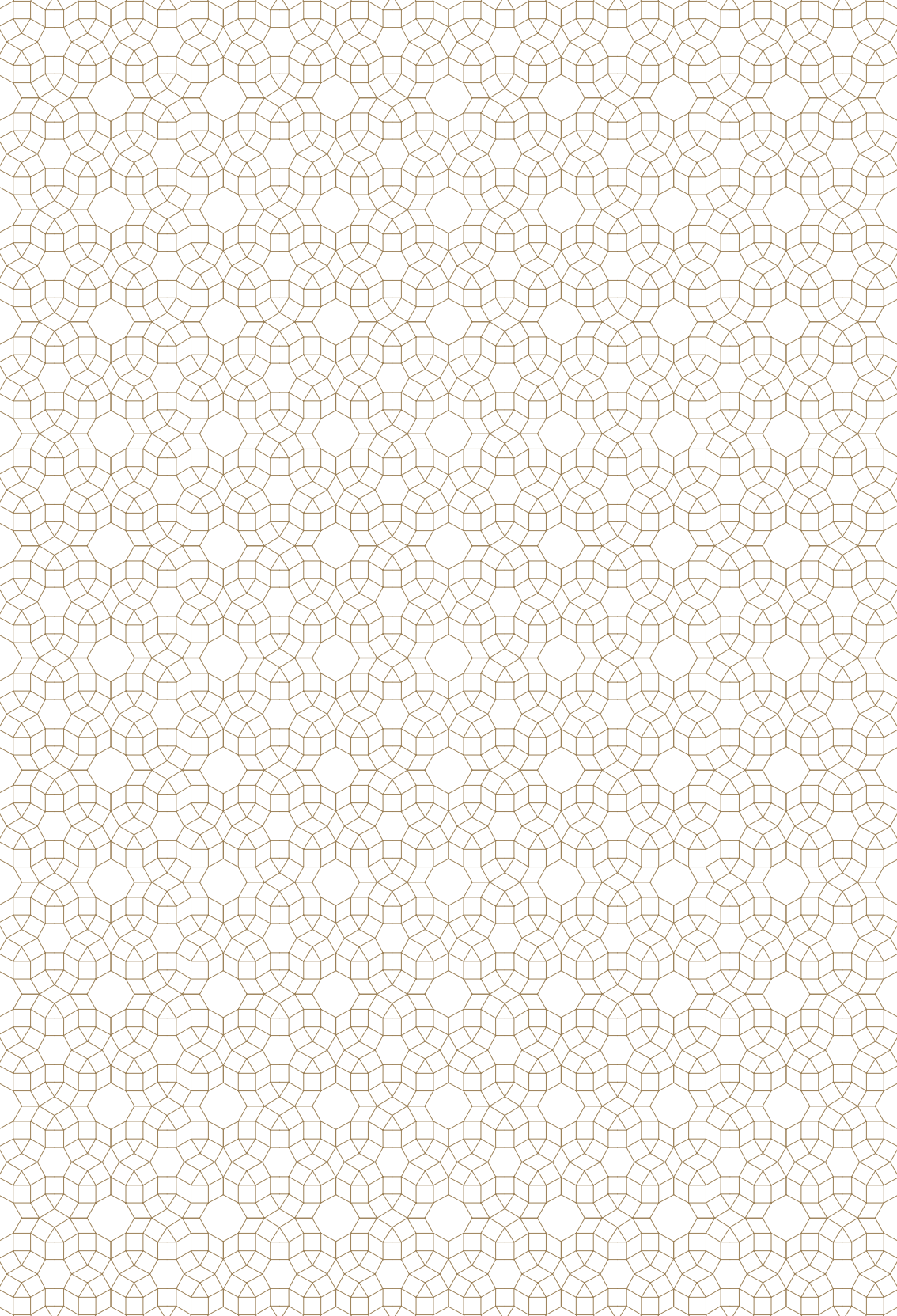
مرحوم ابوترابی، اسوه کار تربیتی در مساجد

توفیق بیشتر در تربیت نخبگان در محافل نورانی مانند مساجد منوط به این است که خودمان هم جزء نخبگان معنوی باشیم. اینکه ما خودمان هم از نظر معنوی رشد یافته باشیم، بسیار تأثیرگذار خواهد بود. شاید بتوان به مرحوم آقای ابوترابی به عنوان یک اسوه در کار تربیتی مساجد نگاه کرد. اگر به ایشان به چشم یک اسوه در کارهای تربیتی خودمان نگاه کنیم، یقیناً توفیقات کار ما در مساجد، بسیار افزایش خواهد یافت. ما روحانی خوب بسیار زیاد داریم، اما مرحوم ابوترابی چیز دیگری بود و تفاوت عجیبی در اثرگذاری تربیتی با دیگران داشت.

بسیار لازم است کسانی که مشغول کار تربیتی هستند، یک دور

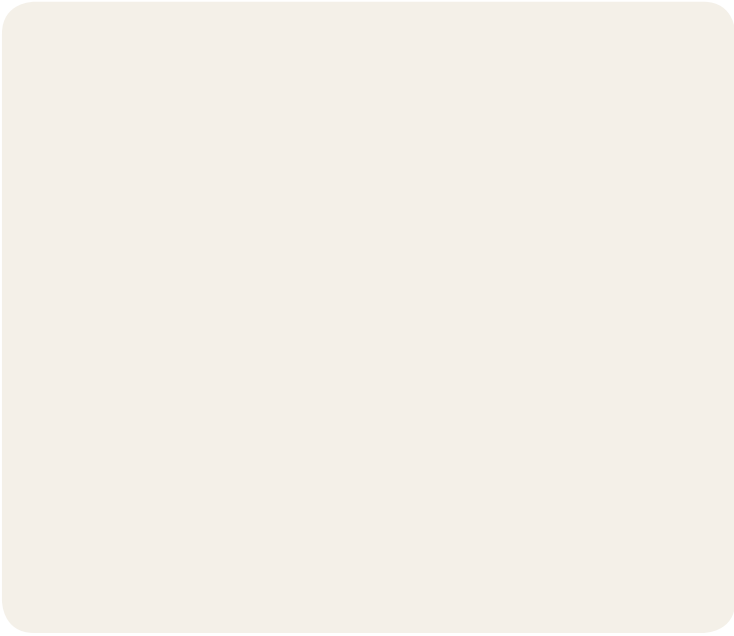


ارائهٔ قاعدہ کلی



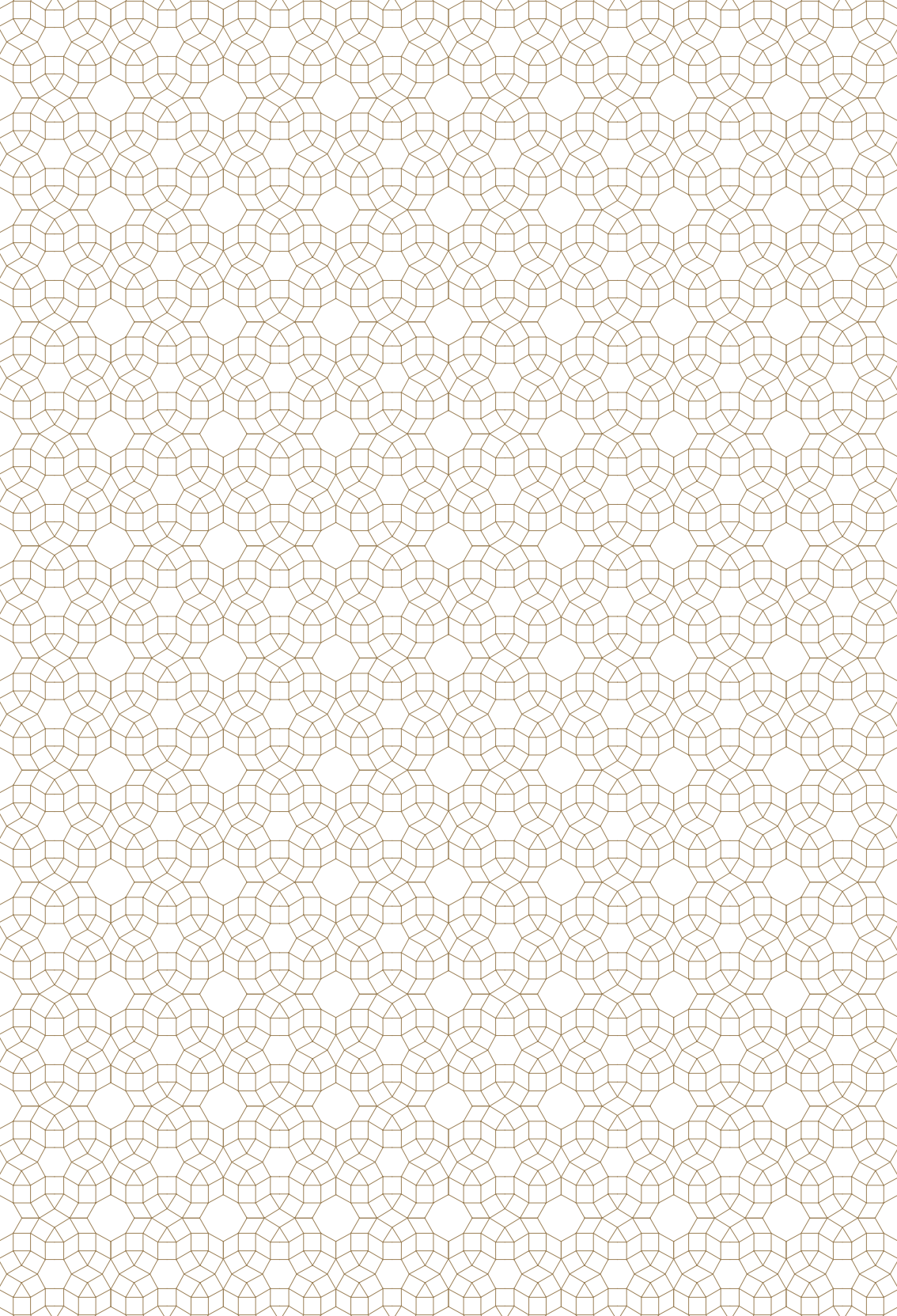
اولویت کار فرهنگی و تربیتی در تمامی عرصه‌ها

با توجه به مباحثی که مطرح شد می‌توان گفت اولویت کار فرهنگی و تربیتی نه تنها در مساجد، بلکه به طور کلی، با سرمایه‌گذاری روی نخبگان معنوی است. یعنی اگر کسی هم قدرت جذب و رشد دادن نخبگان معنوی و هم قدرت جذب غیرنخبگان را داشته باشد، باید اولویت کاری خود را پرورش نخبگان قرار دهد؛ یعنی تا جایی که توانایی دارد روی همین گروه از مخاطبان کار کند. اما آن‌هایی که قدرت جذبشان در حد جذب کردن و رشد دادن نخبگان معنوی نیست، باید سراغ اقشار معمولی‌تری روند. شاید این عدم توانایی جذب نخبگان به دلیل روش یا اقتضائات فعالیت او و یا به دلیل اندیشه‌های او باشد. مثلاً طبیعی است کسی که رهبر





فهرست‌ها



فهرست منابع

۱. صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره)، تنظیم و نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۸۹ش، چاپ پنجم.
۲. عارف کامل، بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان، انتشارات عارف کامل، بهار ۱۳۸۱، چاپ دوم.
۳. قرب الإسناد، حمیری، عبد الله بن جعفر (م نیمه دوم قرن ۳)، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، نشر مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۱۳ق، چاپ اول.
۴. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (م ۳۲۹)، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم.
۵. المحاسن، برقی، احمد بن محمد بن خالد (م ۲۷۴ یا ۲۸۰)، تصحیح جلال الدین محدث، نشر دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ق، چاپ دوم.
۶. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، طبرسی، علی بن حسن (م ۶۰۰)،

- نشرالمکتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ق، چاپ دوم.
۷. مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل (م قرن ۶)، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ق، چاپ چهارم.
۸. نهج البلاغة، شریف الرضی، محمد بن حسین (م ۴۰۶)، تحقیق صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، چاپ اول.

یادداشت ناشر.....	۹
اولویت پرورش نخبگان معنوی.....	۱۱
طرح سؤال: اولویت با خوب‌ترکردن خوب‌هاست یا خوب کردن همه؟.....	۱۳
ضرورت پاسخ به این سؤال برای برنامه‌ریزی فرهنگی.....	۱۷
۱. ضرورت مشخص کردن مخاطب در کارهای فرهنگی.....	۱۷
۲. تعیین اولویت در انتخاب مخاطبان و سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آن‌ها.....	۱۸
دلایل ترجیح پرورش نخبگان معنوی.....	۱۹
۱. تا خوب‌ها خوب‌تر نشوند، بدها خوب نمی‌شوند.....	۲۱
۲. کم‌ثمر بودن برنامه‌ریزی برای غیرمذهبی‌ها.....	۲۴
۳. مستعد بودن نخبگان معنوی برای رشد.....	۲۵
۴. عوارض برنامه‌ریزی برای غیرمذهبی‌ها.....	۲۷
۵. اولویت نخبگان معنوی با توجه به دشواری کار تبلیغات دینی.....	۲۹
دشواری تبلیغات دینی به خاطر ناکارآمدی ایمان‌های سطحی.....	۲۹
دشواری تبلیغات دینی به خاطر عمیق بودن و رفیع بودن مفاهیم دینی.....	۳۰
آسان بودن کار برای مذهبی‌ها با توجه به دشواری‌های تبلیغ.....	۳۱
اولویت کار برای نخبگان معنوی با استدلال روایی.....	۳۷
«اولویت داشتن نخبگان معنوی» و برداشت‌های نادرست.....	۴۱
لزوم توجه به نسبی بودن تعریف نخبگی.....	۴۱
اولویت نخبگان یک قاعده است؛ اما استثنائات همیشه وجود دارند.....	۴۲

۴۳	حس نامطلوب اولویت داشتن یک عده خاص
۴۷	اولویت کافی نیست، روش‌های تربیتی صحیح هم شرط است
۴۹	خاتمه: نخبگان معنوی به مثابه شاخص‌های موفقیت یک دین
۵۱	هدف پرورش نخبگان معنوی
۵۳	خاطره‌ای از آیت الله شاه‌آبادی (ره)
۵۵	کارروحانیت، اسوه‌سازی است نه تربیت حداقلی
۵۷	برنامه‌هایی برای تربیت نخبگان معنوی
۵۹	کلاس‌های هفتگی تفسیرقرآن و نهج‌البلاغه
۶۱	تدریس تاریخ اسلام
۶۳	انس با قرآن
۶۵	انس با احادیث اهل بیت (ع)
۶۷	پرورش معنوی مادران در مساجد
۶۹	توجه به ارتقای علمی و معنوی دست‌اندرکاران امور مساجد
۷۱	خلاصه کردن کتاب
۷۳	ناکافی بودن آموزش‌های عمومی برای پرورش نخبگان معنوی
۷۵	پرورش جامعه‌پذیری افراد در مسجد
۷۷	مرحوم ابوترابی، اسوه کار تربیتی در مساجد
۷۹	ارائه قاعده کلی
۸۱	اولویت کار فرهنگی و تربیتی در تمامی عرصه‌ها
۸۳	فهرست‌ها
۸۵	فهرست منابع
۸۷	فهرست تفصیلی



محصولات مؤسسه عصر بیان معنوی

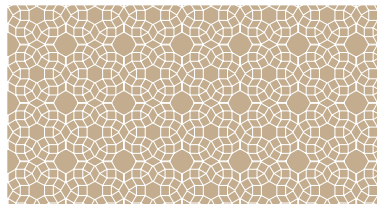
(ناشر آثار استاد پناهیان)

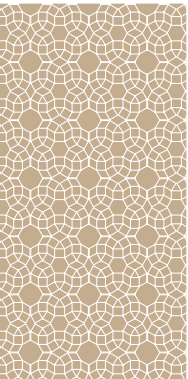
مکتوب

- ناشنیده‌هایی درباره قدرت و شکوه زن در کلام امام و رهبری
- شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری
- نگاهی به رابطه عبد و مولا
- آشنایی با چند مفهوم کلیدی (اخلاق، ترکیه، اخلاص، حکمت، تقوا)
- چگونه یک نماز خوب بخوانیم
- برای مهمانی خدا آماده شویم
- شکوه امر خدا؛ به ضمیمه یادداشتی برای معتكفین
- تحلیلی بر نگاه امام به هنر و رسانه
- انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه
- رهایی از تکبر پنهان
- چگونه دستورات دینی ما را تربیت می‌کنند؟

چند رسانه‌ای (لوح فشرده)

- کلید طلایی زندگی مشترک
- چگونه یک نماز خوب بخوانیم؟
- چگونه با خدا حرف بزنیم؟
- باران خوبی‌ها (شرح خطبه متقین نهج البلاغه)
- مهربان‌ترین نامه به جوان (شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه)
- تفکر راهبردی در سیره مقام معظم رهبری
- حجاب؛ وقتی زن‌ها مهربان‌تر می‌شوند
- مظلوم مقتدر؛ سیره سیاسی امیرالمؤمنین (ع)
- مهمترین نیاز امروز ما
- رهایی از ولایت طاغوت
- فرهنگ مهربانی
- انقلابی بودن
- خانواده برتر، تربیت فرزند بهتر (مجموعه مباحث)
- ولایت، مهدویت و آخرالزمان (مجموعه مباحث)
- بالاهل‌العالم (جایگاه پیاده‌روی اربعین در نگاه حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان)





شکوه امر خدا



چگونه یک نماز خوب بخوانیم؟



ناشنیده‌هایی دربارهٔ
قدرت و شکوه زن
در کلام امام و رهبری
با مقدمه علی‌رضا پناهیان



برای مهمانی خدا آماده شویم



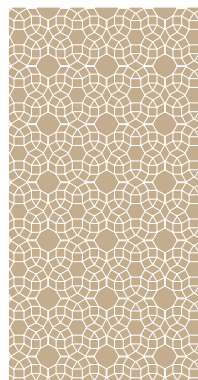
آشنایی با چند مفهوم کلیدی اخلاق
تزکیه، اخلاص، حکمت، تقوا

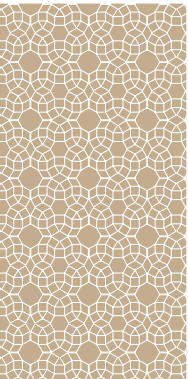


تحلیلی بر نگاه امام (ره)
به هنر و رسانه



چگونه دستورات دینی
ما را تربیت می کنند؟





شهر خدا
رمضان و رازهای روزه‌داری



رهایی از تکبر پنهان



نگاهی به رابطه عبد و مولا



انتظار
عامیانه، عالمانه، عارفانه

Investing in spiritual elites is both economical and much more comfortable. Besides, by training and helping them to become role models in society, even weak believers and the irreligious people will be pulled towards them. As the result, also they become more educated and more religious.

At the end of this book; there is a reference for some plans that can use in Mosques, for training spiritual elites in more significant numbers and much better way.

A Glance at the Book

In general, two types of policies may be used for large scale cultural planning for the training of people in Mosques.

The first, our leading plan and focus should be on the cultivation of spiritual elites in the community. People whose level of familiarity with religion and their commitment to it is higher than regular people in society. Of course, this doesn't mean that we shouldn't have a program for weaker religious or even irreligious people. Or we shouldn't have a plan to endeavor to attract them to our religion and its base "the Mosque." It means that the principal investment should be the spiritual elites and the effort to advance them.

And the second, our primary purpose should be to attract and educate those who are weaker in religion and those who are at a lower spiritual level in society. In this particular level, our goal is to help low level religious, unreligious and even atheists people to shift to a moderate level of religion in the community.

Now the question is, from the view of religious or reason and logic, which of these two policies should be choose? Which of these two groups -the religious people or the rest of the community- should be our primary focus?

In investment on which group will give a better result in educating of a society? This book we'll prove that cultivating good people and turn them into someone better has priority in many ways.



The Cultivation of Spiritual Elites in Mosques

by
Ali Reza Panahian

Arranged & Edited By:
Asr-e-Bayan-e-Ma'navi Institute
Published by: Bayan-e-Ma'navi
Publications

